

گردهمایی بین المللی آزاداندیشان و بی خدایان اکس مسلم در
شهر کلن در روزهای ۲۰-۲۱ اوت ۲۰۲۲



در مورد گردهمایی آزاداندیشان و بی خدایان در کلن

گفتگو با مینا احدی
صفحه ۶

بازنشستگان فولاد و اختلاس ۹۲۰۰۰ میلیاردی

اصغر کریمی
صفحه ۲

چپاول در فولاد مبارکه و دزدسالاری اقتصادی

حمید تقوایی . مصاحبه با کانال جدید
صفحه ۳

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۸۷

جمعه ۴ شهریور ۱۴۰۱ . ۲۶ اوت ۲۰۲۲

کارکنان رسمی نفت:

اگر به وعده ها عمل نشود با خانواده خواهیم آمد

شهلا دانشفر

جنبش کارگری مدام در تلاطم است و امروز این صنعت نفت است که به کانون داغ اعتراضات تبدیل شده است. در دور جدید اعتراضات از بیستم مردادماه، بیش از پانزده هزار کارگر بخش عملیاتی رسمی نفت وارد اعتراض شدند و تا بیست و چهارم مرداد این کارگران در دهها شرکت بهره برداری و پالایشگاهی در مناطقی چون پارس جنوبی، کرمانشاه، عسلویه، گاز گچساران، سنندج، فلات قاره، کنگان، بیجار، ایلام در اعتراض شرکت داشتند.

کارکنان رسمی نفت اولتیماتوم دادند که اگر تا بیست و ششم مرداد به خواستههایشان پاسخ داده نشود در اشکالی گسترده تر با خانواده هایشان به میدان خواهند آمد. متعاقب این اولتیماتوم این کارگران جهت پیکیری خواستههایشان از طریق شورای هماهنگی و همبستگی، درگروههای مبارزاتی خود در مدیای اجتماعی نظر سنجی ای انجام داده و در مورد روز اعتراض سراسری خود و شرکت خانواده ها برای پنجم شهریورماه در سه منطقه عسلویه، اهواز و تهران فراخوان دادند. بدنبال این فراخوان مسئولین نفت و

ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه

زنان در کردستان علیه تبعیض جنسیتی

نه به تابو، نه به
خشونت علیه زنان

صفحه ۱۲

تشکیلات خارج کشور حزب در هفته‌ای که گذشت

صفحه ۱۳

شعبان محمدی، مسعود نیکخواه و آئینا اسداللهی آزاد شدند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
صفحه ۱۴

نامه سرگشاده به دولت آمریکا و سازمان ملل

صفحه ۱۶

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان

سیاسی

در صفحه های ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸

هورر!! زنان اجازه ورود یافتند!

جیمز وب و جمهوری اسلامی

کاظم نیکخواه
صفحه ۶

"سلمان رشدی و حقیقت در ادبیات"

معرفی کوتاه یک کتاب

محسن ابراهیمی
صفحه ۸

محکومیت حمید نوری و تقلای جمهوری اسلامی

حسن صالحی
صفحه ۱۱

نامه سرگشاده به دولت آمریکا:

ابراهیم رئیسی نباید به مجمع سازمان ملل راه داده شود: او باید بخاطر جنایت علیه بشریت دستگیر شده و محاکمه شود

صفحه ۱۲



داده شده است.

دانشان بر این دو خواست به عنوان معضل سراسری همه کارگران رسمی و پیمانی در نفت تاکید کرده اند.

پیشروی های تا کنونی کارکنان رسمی نفت هم به لحاظ مطالباتی که جلو آورده اند، و هم به لحاظ سازمانیابی اعتراضی نقطه عطفی در مبارزات کارگران نفت در سطح سراسری است و بر فضای اعتراض کل نفت تاثیر گذار است. این پیشروی ها در عین حال دستاوردی برای کل جنبش کارگری است و توازن قوا را میتواند به نفع اعتراضات بخش های مختلف کارگری بهبود دهد. از خواسته ها و مبارزات کارکنان رسمی نفت باید وسیع حمایت کرد و از تجربیات مبارزات این کارگران در دیگر بخشها استفاده کرد.*

جدا از کارکنان رسمی نفت در بخش های دیگر مراکز نفتی اعتراض و مبارزه گسترده است. اعتراض به شرایط جهانی کار در گرمای سوزان تابستانی با خواست تعطیل کار با پرداخت حقوق و کاهش ساعات کار و اختصاص امکانات سرمایه‌داری. در محیط های کار، اعتراض علیه تعویق پرداخت دستمزدها با تاکید بر افزایش دستمزدها و دائمی شدن قراردادهای از جمله موضوعات اعتراضات کارگران با قراردادهای موقت در بخش مختلف نفتی بوده است. کوتاه شدن دست پیمانکاران و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی خواسته های سراسری همه کارگران در مراکز نفتی است و کارکنان رسمی نفت نیز در بیانیه

مطالباتی چون ارتقای وضع خدمات بهداشت و درمان نفت و برخورداری همه کارگران شاغل در نفت از درمان رایگان با کیفیت، ارتقای خدمات رفاهی کارگران نفت از جمله بهبود وضع غذا و غذاخوری ها، و ایمنی محیط های کار، بر پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کاری و وضعیت پادگانی مراکز نفتی تاکید کرده اند. اجرای کامل ماده ده قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و محاسبه پرداخت پی بک آن از زمان تصویب این قانون، ارتقای پایه سمت های سازمانی آنها، تجدید نظر در افزایشات عمومی آنان متناسب با رشد تورم، پایان دادن به استخدامها و انتصابات فامیل و پارٹی بازیها و تبعیض در پرداختها، بازگرداندن مالیات های سنگین اخذ شده که طی سالها از حقوق کارگران کسر شده، پایان دادن به اختلاسها و شفافیت دادن به عملکرد صندوق بازنشستگی از دیگر مطالبات اعلام شده این کارگران است و در راستای اجرایی شدن آنها تا همین جا توانسته اند عقب نشینی هایی را به حکومتیان تحمیل کنند و در سطح گفتمان هم که شده وعده هایی برای اجرای آنها که میتواند بهبودی در وضع مزدی کارگران ایجاد کند

شوراها در سطح سراسری است. در ماههای گذشته شاهد این بودیم که کارگران پیمانی نفت با تشکیل "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" گام مهمی در این جهت برداشتند و این شورا نقش موثری در پیشروی مبارزات این کارگران ایفا کرده و همچنان در هماهنگی و پیشروی مبارزات این کارگران نقش بارزی دارد. بعلاوه معلمان با ایجاد شورای هماهنگی تشکلهای صنفی خود در این راستا حرکت کرده و تجربیات آموزنده ای دارند. اکنون کارکنان رسمی نفت نیز به این سمت حرکت میکنند و این جنبش را تقویت کرده و گسترش خواهند داد. این تجربیات را باید و میتوان کارکنان رسمی نفت در عین حال با محوریت خواست افزایش حقوقها و در اعتراض به مالیاتهای سنگینی که بنا بر طرح موسوم به جراحی اقتصادی دولت بر دستمزدهای سایر سطوح بصورت پلکانی تعلق میگیرد، به صدای اعتراض جامعه تبدیل شده و تاثیر مستقیمی بر بالا بردن توقع جامعه از زندگی و معیشت و داشتن یک زندگی شایسته انسان داشته اند.

کارکنان رسمی نفت در اعتراضاتشان همچنین بر

همبستگی کارکنان جسم و جان دهد و قدرت و توان آنرا بالا برد. باید وسیعا عضو این گروه ها شد و دخالتگر بود.

نظرسنجی از کارگران، شکل عملی مجمع عمومی

کارکنان نفت به اسم شورای هماهنگی و همبستگی دارند رو به جامعه سخن میگویند. نظرسنجی این شورا از کارکنان رسمی در گروه های مبارزاتی در مدیای اجتماعی، یک شکل عملی از ایجاد مجمع عمومی آنها در سطح سراسری است و با این کار این کارگران توانستند قدمی در ایجاد شورای سراسری شان بردارند. به عبارت روشنتر شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی نفت از طریق نظرسنجی ها و با اتکاء به رای چندین هزار کارگر شرکت کننده در آنها، توانست به ظرفی برای اتحاد سراسری و مبارزاتی کارکنان رسمی نفت بر سر خواسته ها و ادامه اعتراضات کارگران تبدیل شود. این یک تجربه مهم برای متکی کردن مبارزات به تصمیم گیری جمعی، متکی کردن مبارزات به تصمیم گیری در مجمع عمومی از طریق نظرسنجی ها در گروه های مبارزاتی و حرکت بسوی ایجاد

دزدی ۹۲۰۰ میلیاردی و کارگران فولاد اصغر کربیی

برخی شرکت های وابسته به فولاد مبارکه اخراج شده اند.

این اختلاس که معادل حقوق ماهانه بیش از ۲۰ میلیون کارگر است ماهیت نظام و اقتصاد مافیایی، فساد ارگانها، مقامات و امام جمعه های حکومت را بیش از پیش عیان کرد. میخواهند همه چیز را به

در گزارش هیئت تحقیق و تفحص مجلس اسلامی گفته شده که حقوق ۸۵۰۰۰ بازنشسته فولاد مبارکه بدلیل سوء مدیریت در صندوق بازنشستگی فولاد به میزان قابل توجهی کمتر از سقف صندوق تامین اجتماعی بوده است. همچنین تعدادی از کارگران با زیان ده نشان داده شدن

قضایه به ریاست وقت رئیسی نیز هیچ دخالتی نکرده است. و گویی دولت روحانی هم از خود نظام نبوده است.

گردن دولت روحانی بیندازند و خود را پاک جلوه دهند. این در حالی است که دهها ارگان حکومت از سپاه، ائمه جمعه، استانداری اصفهان و هرمزگان، شهرداری، صدا و سیما، بسیج، وزارت دفاع، وزارت اطلاعات، نمایندگان مجلس، معاون و رئیس دفتر روحانی، حوزه علمیه، دادگستری، وزارت صمت، کمیته امداد، ستاد اربعین و دهها مقام حکومت و صدها مدیر دولتی و خصوصی رشوه گرفته اند. قوه

بباید فرض کنیم حکومت پاک است و هیچ ارگانی از اینهمه فساد و رشوه دهمی و رشوه خواری و تضییق حقوق بازنشستگان و اعتراضات آنها خبر نداشته است. حال که این سند رو کرده که ۸۵۰۰۰ بازنشسته در طول چند سال از حقوقشان دزدیده شده و



تعدادی از کارگران اخراج شده اند، فرصت طلایی برای بازنشستگان و کارگران اخراجی است که متحدانه کل زبانی که دیده اند را از حکومت طلب کنند. حکومت هیچ بهانه ای برای تسلیم نشدن ندارد. نباید فرصت را از دست داد.

ژورنال شماره ۱۹۹

چپاول در فولاد مبارکه و دزدسالاری اقتصادی



تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید **خلیل کیوان: فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی رکورد تازه ای بجا گذاشت.** یک هفته است که توجه جامعه به تخلف ۹۲ هزار میلیارد تومانی- معادل حقوق بیست میلیون کارگر- در فولاد مبارکه معطوف است! چرا اقتصاد در جمهوری اسلامی با دزدی و اختلاس - آنهم با ارقام نجومی- توأم است؟ آیا فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی یک عارضه است؟ نقش و سهم جناح ها در اختلاس ها چیست؟ آیا جمهوری اسلامی میتواند و یا میخواهد این معضل را حل کند؟

حمید تقوایی در چند دهه گذشته لیست بلند بالایی از دزدیها و اختلاس ها افشاء شده است. از ماجرای بابک زنجانی تا ماجرای خاوری که به بزرگترین دزدی و اختلاس در تاریخ ایران معروف شد میتوان نام برد. همچنین اختلاس در قوه قضائیه، در مجموعه کوثر، صندوق ذخیره شاهد، بنیاد شهید، بانک دی، سازمان تامین اجتماعی، پتروشیمی رازی و نمونه های زیاد دیگر. ولی دزدی و اختلاس در فولاد مبارکه ۳۰ برابر بزرگتر از اختلاس خاوری است. این دزدی بزرگتر از مجموع تمام دزدیهای افشا شده در سالهای اخیر است. کاربری در اینترنت نوشته بود این اختلاس برابر با بودجه ۴۵ سال استان کهگیلویه و بویراحمد است که ۲۰۰ میلیارد است. به

نظر شما پرونده اخیر با دزدیهای قبلی چه تفاوتی دارد؟ آیا صرفا تفاوت در حجم نجومی دزدی و اختلاس است؟

حمید تقوایی: یک جنبه همین ابعاد نجومی و غیر قابل تصور این دزدی و اختلاس است. از این نقطه نظر جمهوری اسلامی رکورد تازه ای در فساد بجا گذاشته است. ولی مساله فقط این نیست. به نظر من پرونده فسادی که در فولاد مبارکه رو شده خصلت نمای کل سیستم اقتصادی سرمایه داری در جمهوری اسلامی است. اینجا با انواع و اشکال مختلف فساد و چپاول مثل اختلاس و ارتشاء، رانت خواری، بند و بست در مناقصه ها و مزایده ها، حق السکوت دهی، حسابسازی و گزارشات جعلی و ساختگی و غیره در یک ابعاد عظیم مواجه هستیم. و این دزدی و چپاول گسترده بخش وسیعی از ارگانها و مقامات فعلی و سابق و اسبق حکومت، امام جمعه ها و حوزه علمیه، فرماندار و استاندار اصفهان و هرمزگان، نمایندگان مجلس، سپاه و بسیج، کمیته امداد، صدا و سیما، و حتی مقامات ورزشی و غیره و غیره را در بر میگیرد. همه اینها در این چپاولگری سهیم و دخیل و ذینفع بوده اند.

به این دلایل است که میتوان فسادی ای که رونمایی شده را یک نمونه و نمود مشخص از کل سیستم و خصلت نمای عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی دانست. سیستمی

که باید آنرا سرمایه داری دزدسالار نامید.

خلیل کیوان: گزارش ۳۰۰ صفحه ای مجلس شورای اسلامی به حدود ۹۰ مورد "تخلف، انحراف، تحمیل خسارت و توزیع رانت" و ۱۲۰۰ پرونده اشاره دارد. هم افرادی از جناح روحانی و هم سازمانهای زیر نظر جناح اصولگرا در این اختلاس و فساد سهم داشته اند. آیا میتوان گفت در این دزدیها هر دو جناح شریک و همدست بوده اند؟ در این میان جدال جناحها چه جایگاهی دارد؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم این پرونده نشان میدهد که تقریباً تمام ارگانها و دستگاههای حکومتی و غیرحکومتی، چه باصلاح بخش دولتی و چه بخش خصوصی، و یا آنطور که خودشان میگویند نهادها و شرکتهای خصوصی، در این چپاول دست داشته اند. این فسادی فراجناحی و فراگیر است.

ما در عین حال با باندهای اقتصادی شبه مافیائی در جمهوری اسلامی مواجهیم که یک به یک با جناحها منطبق نیستند. مثلاً میدانیم که سپاه و بسیج بخش اعظم شرکتهای و فعالیتهای اقتصادی را در دست دارد و کنترل میکند. و یا نهادهائی مثل بیت رهبری، آستان قدس رضوی، ستاد اجرای فرمان امام و امثالهم نیز حاکم بر اقتصاد ایران هستند که اینها هم جناحی تقسیم نمیشوند بلکه فراجناحی و ماورای جناحی عمل

میکند. ما در این پرونده های فساد که هر از چندگاهی رو میشود به القابی مثل سلطان سکه و سلطان زمین و سلطان شکر و سلطان ارز و سلطان آب و نظایر آن بر میخوریم که میتوان آنها را پدرخوانده ها و یا "گادفادر"های باندهای مافیای اقتصادی جمهوری اسلامی نامید. در این باندهای مافیائی از هر دو جناح دخیل هستند و رقابتهایشان ماورای جناحی است. رو شدن چنین پرونده هائی ناشی از رقابت و کشمکش بین این باندها است.

به این دلایل من فکر میکنم مساله را نمیشود جناحی به معنی سیاسی کلمه، یعنی جناح اصولگرا و یا اصلاح طلب توضیح داد. از نظر سیاسی امروز اصلاح طلبها نه در جامعه پایگاهی دارند و نه در حکومت تحویل گرفته میشوند ولی در اقتصاد اینطور نیست. جای همه دارو دسته های حکومتی درل غارت و چپاول محفوظ است!

خلیل کیوان: برخورد رئیس جمهور و مقامات دیگر به ماجرای فولاد مبارکه قابل توجه است. ابراهیم رئیسی- پس از گذشت یک هفته از افشای این فساد اعلام کرده است که نظام جمهوری اسلامی پاک است. او گفته است که گزارش مجلس مورد تایید ما نیست اما متخلفین باید برکنار شوند. حسین میرزایی، رئیس کمیته مجلس برای تحقیق و تفحص در مورد فولاد مبارکه اصفهان در مصاحبه با سایت بازار میگوید: "به عنوان رئیس هیأت تحقیق و تفحص از فولاد مبارکه در مجلس، گزارش منتشر شده در فضای مجازی را تأیید نمیکنم". این ضد و نقیض گوئیها را شما چطور توضیح میدهید؟ آیا تلاشی است برای توجیه و سرپوش گذاشتن بر این

پرونده و یا ناشی از رقابتهای و کشمکشهای باندهای مافیائی است؟

حمید تقوایی: این تلاشها قبل از هر چیز ناشی از استیصال و درماندگی حکومت است. از یکسو آنقدر اوضاعشان به هم ریخته است که به این شکل دزدیها و دست همدیگر را رو میکنند و از طرف دیگر برای حفظ نظامشان ناگزیرند به نحوی این رسوائی ها را توجیه کنند و بر آن سرپوش بگذارند. از یکسو کمیته تحقیق و تفحص مجلس چنین گزارشی تهیه کرده و از سوی دیگر رئیس این کمیته میگوید گزارش منتشر شده مورد تأیید من نیست! این نشان میدهد که حکومت از هم گسیخته است. انسجامی ندارد. یک سیاست و خط واحدی که حتی اعضای خود دولت و اعضای مجلسی- که یکدست اصولگرا و ظاهراً همراه دولت رئیسی- است را بتواند متحد و همصدا بکند وجود ندارد. این بهم ریختگی فقط در این مورد نیست. در موارد زیادی مثلاً در برخورد به مساله حجاب، مذاکرات برجام، مساله حمله به سلمان رشدی و غیره نیز این ضد و نقیض گوئی و عدم انسجام را مشاهده میکنیم. تا آنجا که به پرونده چپاول فولاد مبارکه مربوط میشود به این آب رفته را نمیشود به جوی برگرداند. فساد و چپاولی که رو شده چنان ابعادی دارد که ادعای سیستم پاک است و غیره تنها موضوع جوک و تمسخر و طعنه مردم قرار خواهد گرفت. و فی الحال در مدیای اجتماعی چنین شده است.

همانطورکه گفتم این پرونده خصلت نما است و نشان میدهد چطور فساد و دزدی و چپاول و اختلاس و ارتشاء و رانت خواری و نظایر آن عوارض سیستم اقتصادی نیستند بلکه جزئی از ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی اند.

چپاول در فولاد مبارکه و دزدسالاری اقتصادی

ادامه از صفحه ۳

عبارت دیگر اقتصاد حکومت بدون اینها نمی چرخد. مثلا رشوه خواری بخاطر فاسد بودن این یا آن مسئول یا گروه معینی در حکومت نیست بلکه سرتاپای حکومت را فرا گرفته است. به همین ترتیب است اختلاس و رانتخواری. همینطور مناقصه و مزایده های از پیش معماری شده که به آیت الله ها و مقامات و آقازاده هایشان واگذار میشود. یکی از تخلصات در این پرونده اینست که نتیجه مزایده ها و مناقصه ها از پیش معلوم بوده است. این تنها به فولاد مبارکه محدود نیست، همه جا همینطور است. اساسا سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی همینطور کار میکند.

این سیستم بدون بازار قاچاق کارش میخوابد. بدون رشوه خواری امرش نمیگذرد. بدون رانتخواری فلج میشود. فساد در همه این ابعاد جزء لاینفک است. مستقل از اینکه چه جناحهایی از نظر سیاسی بجان هم افتاده اند و یا چه نوع کابینه ای بر سر کار است، یا حتی چه باندهای اقتصادی مشغول رقابت با یکدیگر هستند، همه برمتن اقتصادی کار میکنند که بر فساد مبتنی است. مردم هم بر این واقعیت کاملا واقف هستند و به همین خاطرست که اظهارتی نظیر "سیستم پاک است" و یا مسئول، این یا آن مدیر فاسد است و غیره تنها میتواند باعث مزاح و تمسخر جامعه بشود.

خلیل کیوان: اشاره ای به نحوه کارکرد اقتصاد در جمهوری اسلامی داشتید. یک سؤال پایه ای اینجا مطرح است. مدل های اقتصادی شناخته شده عبارتند از نئولیبرالیسم و بازار آزاد، اقتصاد دولتی و ترکیبی از اقتصاد دولتی و بازار آزاد، و در برابرمه

اینها اقتصاد سوسیالیستی که شما مدافع آن هستید. اقتصاد جمهوری اسلامی کدامیک از این مدلهاست؟ چه توضیحی در مورد اقتصاد جمهوری اسلامی دارید؟

حمید تقوایی: سیستم اقتصادی در ایران سرمایه داری است ولی نمیتوان هیچکدام از این مدل ها را بر آن منطبق کرد. خود اقتصاددانان حکومتی اصطلاح بدیع "اقتصاد خصولتی" را بکار میبرند! یعنی تا آنجایی که به دولتی و خصوصی مربوط میشود اسمی نمیشود روی این سیستم گذاشت؛ هم دولتی است و هم دولتی نیست و هم خصوصی هست و هم خصوصی نیست. به این معنا که بخش با اصطلاح خصوصی مستقیما به دولت وصل است، جزو باندهای حکومتی است. بخش اعظم اقتصاد بوسیله سپاه پاسداران اداره میشود که نیروی مسلح حکومت است و بخشی از صاحبان و سهامداران عمده و سرمایه داران "خصوصی" از سردارن سپاه هستند. و یا امام جمعه ها هم جزئی از دستگاه تبلیغی حکومت هستند و هم بخشی از سرمایه داران و سهامداران شرکتها. برنده بسیاری از مزایده ها و مناقصه های دولتی نیز وابستگان بیت رهبری و حوزه علمیه و آقازاده های آیت الله ها و مقامات حکومتی هستند. به این لایل است که این اقتصاد نه دولتی است و نه خصوصی. این اقتصاد بقول خودشان خصولتی است و معایب هر دو سیستم را با هم دارد. یعنی هم اعمال نفوذ و رانتخواری دولتی در آن بیداد میکند و هم فعال مایشائی و دزدی های مدیران و سرمایه داران خصوصی. نزدیکترین اسمی که میشود روی این سیستم گذاشت سرمایه داری دزدسالار است. وقتی

چپاول و دزدی و فساد جزء نهادینه ای از یک سیستم میشوند آنرا کلبتوکراسی می نامند و با مسمی ترین نامی که روی اقتصاد جمهوری اسلامی میشود گذاشت بنظرم همین است.

خلیل کیوان: برخی

میگویند اقتصاد ایران هم مثل هر کشور سرمایه داری دیگر است. اختلاس هم همه جا کم و بیش هست اما در جمهوری اسلامی بیشتر. به این معنی فساد و دزدیها و رانتخواری ها و رشوه دادن ها را عارضه اقتصاد سرمایه داری و نئولیبرالیسم می دانند. شما توضیح دادید که اینطور نیست. آیا میتوان اقتصاد جمهوری اسلامی را با یک کشور سرمایه داری دیگر مقایسه کرد؟

حمید تقوایی: بله

دزدی و فساد همه جا، در همه جوامع سرمایه داری وجود دارد. در این تردیدی نیست. ولی همانطوری که گفتم سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی نامتعارف و متفاوت است. اجازه بدهید بطور خلاصه بگویم که این تفاوت از چه ناشی میشود.

سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی از روز اولی که این حکومت روی کار آمد هیچگاه نتوانست جزئی از بازار جهانی سرمایه داری بشود. دلیل این امر هم سیاسی است. اساسا برای سرکوب مردمی که رژیم سلطنت را سرنگون کرده و خواهان تحقق خواستها و اهداف انقلابی خود بودند پرچم مرگ بر آمریکا و شیطان بزرگ را بلند کرد و تا همین امروز در مقابله با جامعه ای که این بار علیه خود رژیم اسلامی بپا خاسته به همین اسلحه غربستیزی متوسل میشود و برای فعالین و مردم معترض با انگ وابستگی به آمریکا و اسرائیل و غیره پرونده سازی میکند. در منطقه و در سطح جهانی نیز جمهوری اسلامی با این پرچم به جنبش تروریستی و ضدانسانی اسلام سیاسی

شکل داده است. خصوصیت این جنبش و مقابله با مدرنیسم و دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی غرب و اتکا به قوانین ماقبل قرون وسطائی اسلامی است.

این موقعیت و جهتگیری سیاسی فوق ارتجاعی از نظر اقتصادی به انزوا در بازار جهانی ترجمه میشود. این سیستم نامتعارف و منزوی از بازار جهانی سرمایه در طی بیش از چهار دهه، مثل یک پارازیت و موجود انگلی که بر گندیدگی و کثافت رشد میکند، با فساد تنیده شده و مکانیسم و فعل و انفعالات ویژه خودش را ایجاد کرده است. از مساله تحریم ها و بقول خودشان "کسبه تحریم" بگریزد تا ارز چند نرخ و رانت ارزی، تا بازار قاچاق و برادران قاچاقچی، تا سلاطین زمین و آب و طلا و دارو و ارز غیره، و تا بنادر و فرودگاههای خصوصی از ویژگیهای اقتصاد نامتعارف جمهوری اسلامی است.

این سیستم گرچه الان چهار دهه است که به این شکل به سرپا مانده ولی همیشه با یک بحران و بی ثباتی مزمن و مداوم مواجه بوده است. یک سیستم منزوی از اقتصاد جهانی که با غربستیزی و ضدیت با تمدن غربی سرپا مانده ولی هر روز بحران عمیق تر و وخیم تر شده است. سیستمی که با شمشیر اسلام و اسلامیت جامعه را کوبیده و سرکوب کرده است در اقتصاد منجر شده است به سلطه باندهای مافیایی اقتصادی که به شیوه هائی که اشاره کردم جامعه را چپاول میکنند و به زندگی انگلی شان ادامه میدهند. خود این حکومت از اصطلاح کسبه تحریم استفاده میکند یعنی کسانی که منافع اقتصادی مستقیمی در تحریم اقتصادی و تقابل با غرب دارند؛ و یا برادران قاچاقچی یعنی خود سپاه پاسداران و دست اندرکاران حکومتی که بازار قاچاق را میگردانند. یا بنادر

خصوصی و سلاطین صادرات و واردات در بخش خصوصی که نه به دولت گزارش میدهند و نه مالیاتی پرداخت میکنند. یا بعنوان مثال پروژه های سدسازی پیاده میشود که هیچ دلیل اقتصادی ندارد غیر از اینکه یک عده ای میخواهند از این طریق پولهای میلیاردی به جیب بزنند. این پروژه ها که بوسیله بخشی از سپاه، بخشی از فلان بنگاه اقتصادی وابسته به آیت الله ها و یا به بیت رهبری و یا فلان امام جمعه و غیره به پیش برده میشود اساسا برای پر کردن جیبهای گشاد آنها طراحی شده است.

روشن است که فساد زدایی از این سیستم معنی ندارد مگر اینکه کل سیستم را بر سرشان خراب کنید. جمهوری اسلامی نمونه بارز یک سیستم فاسد اقتصادی مبتنی بر چپاول و دزدی است. و از این نظر از سایر کشورها، حتی از کشورهای دیگر در منطقه چه برسد به کشورهای غربی، کاملا متفاوت است.

خلیل کیوان: با این توصیفات آیا چشم اندازی برای حل بحران اقتصادی جمهوری اسلامی و جلوگیری از فسادها و اختلاس ها و دزدی ها و رانت خواریها هست؟ آیا توافق با آمریکا و غرب و به فرجام رساندن برجام میتواند معضل اقتصاد را حل کند؟ و آیا اصولا جناح های دیگری از سرمایه داری که در اپوزیسیون هستند راه حلی برای مساله اقتصاد ایران دارند؟ راه حل شما، راه حل سوسیالیستی چگونه این معضلات را حل میکند؟

حمید تقوایی: اجازه بدهید ابتدا در مورد برجام یک نکته ای را بگویم و بعد به بقیه سوالات شما بپردازم. ببینید برجام راه حلی برای هیچ کس نیست. نه طبعاً کارگران و توده مردمی که زیر فشار اقتصادی دارند له میشوند از برجام میتوانند منفعتی ببرند، و نه حتی معضلات ادامه در صفحه ۵

چپاول در فولاد مبارکه و دزدسالاری اقتصادی

ادامه از صفحه ۴

خود حکومت نظیر پذیرفته شدن در بازار جهانی و سرمایه گذارهای خارجی و غیره با برجام حل میشود. این را ما تجربه کرده ایم. از یاد نبریم که خیزش ۹۶ که اساسا در فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی ریشه داشت، در اوج برجام شکل گرفت. آن زمان هنوز نه ترامپ سر کار آمده بود و نه تحریم ها تشدید شده بود، باصطلاح دوره شکفتگی برجام بود و علیرغم این فقر و فلاکت در جامعه چنان غیر قابل تحمل شده بود که به خیزش توده ای دیماه ۹۶ منجر شد. از آن به بعد هم جامعه مدام فقیرتر شده و فلاکت گسترده تر شده است تا امروز که تورم و فقر و فلاکت ابعاد بیسابقه و نجومی ای پیدا کرده است. این مصائب ربط چندانی به لغو برجام و تشدید تحریمها ندارد. حتی خود کارشناسان اقتصادی حکومت چند ماه پیش اعلام کردند که در عرض چند سال آینده حکومت ورشکسته خواهد شد. ورشکسته به این معنا که دولت حتی حقوق کارمندان را هم نمیتواند بدهد. و احیای برجام تنها میتواند مدت کوتاهی این امر را به عقب

بیاندازد. به عبارت دیگر خود متخصصین حکومتی هم دارند میگویند از برجام آبی گرم نمیشود. مساله اقتصادی رژیم پایه ای تر و ساختاری تر از آنست که با انعقاد قرارداد هسته ای و نظایر آن حل و فصل شود. همانطور که اشاره کردم مساله از یکسو برمیگردد به موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت ضدآمریکایی و غربستیز و نقش اش در جنبش اسلام سیاسی، و از سوی دیگر شکستگی باندهای مافیای اقتصادی که برکل اقتصاد چنگ انداخته اند و میخورند و میپزند و چپاول میکنند. برجام جواب هیچکدام از اینها نیست. بخش دیگر سئوالتان در این مورد بود که راه حل چه هست و یا جناح های دیگر و اپوزیسیون راست که مخالف جمهوری اسلامی هستند، جوابی دارند و یا ندارند. سؤال را میشود به ان شکل نیز مطرح کرد که آیا وضعیت فلاکتبار معیشتی توده مردم ویژه جمهوری اسلامی است؟ آیا اگر مذهب را از دولت جدا کنیم مسائل اقتصادی مردم حل میشود؟ جواب من به این سؤال منفی است. بنظر من جمهوری اسلامی هر چه هست

حاصل آخرین تلاش طبقه سرمایه دار ایران و جهان در مقابله با انقلاب ۵۷ است. بورژوازی ایران با حمایت بورژوازی جهانی جمهوری اسلامی را روی کار آورد در قدم اول بخاطر اینکه انقلابی را در هم بکوبند که در مضمون خود چپ و رادیکال بود. انقلابی که در همسایگی شوروی رخ میداد و از این لحاظ نیز زنگ خطر را برای کل کمپ غرب به صدا درآورده بود. این شرایط، طبقه سرمایه دار غربی را به اینجای رساند که باید برای نجات نظام سرمایه داری به اسلاميون و به کسی- مثل خمینی متوسل بشوند. و تا امروز هم طبقه سرمایه دار بومی جهانی آلترناتیو و راه حل دیگری نتوانسته است پیدا کند. نه نیروهای راست در ایران و نه دولتهای غربی در برابر حکومتی که چهل و سه سال قبل خود به قدرتش رساندند آلترناتیوی ندارند. از سوی دیگری بینیم که در همین چند دهه اخیر ریاضت کشی- اقتصادی گسترده تر شده است و در همه جهان و بخصوص در کشورهایی مثل ایران، در خاورمیانه و کشورهای آفریقایی و غیره، بیداد میکند. زندگی کارگران و اقشار تهیدست جامعه هر چه مشقت بار تر میشود، گرسنگی، فقر، بیکاری گسترش پیدا کرده است و نسخه اقتصادی

بانک جهانی برای حل بحران های مثل امروز ایران و هر کشور نوع ایران این است که نسخه جهانی ریاضت کشی- اقتصادی را شدیدتر، همه جانبه تر و جامعتر پیاده کنند و با حکومتهای نوع پینوشه ای از این بحران بیرون بیایند. یعنی باید تسمه از گرده طبقه کارگر بکشند، حقوقش را هر چه محدود تر کنند و کل جامعه را بکوبند تا بتوانند سودآوری سرمایه ها را تضمین کنند. آنچه به آن "شوک تریپی" میگویند. ریاضت کشی- اقتصادی سیاست جهانی است ولی درکشوری مثل ایران تنها با چنین اقدامات وحشیانه ای میتواند پیاده بشود. به این معنا میخواهم بگویم که حکومت، مستقل از اینکه اسلامی یا غیر اسلامی است، اگر بخواهد سودآوری سرمایه ها را تامین کند باید بزند و بکوبد و ببندد و تسمه از گرده کارگر بکشد. حال خواه با شمشیر اسلام و یا با چماق ناسیونالیسم و خاک پرستی و یا هر "مقدسات" دیگری. در برابر این واقعیت تنها یک راه حل ممکن است: سازماندهی اقتصادی که بر مبنای سود نگردد، بلکه در خدمت تامین منافع همه مردم سازمان داده بشود و بر این مبنای کار کند. جامعه ای که در آن نه یک اقلیت مفتخور، بلکه خود مردم

قدرت را در دست داشته باشند و در تصمیمگیری های اقتصادی و در تصمیمگیری های سیاسی فعال شوراها مردمی باشند. نظامی که در آن استثمرات جرم باشد و سرمایه دار خصوصی و یا دولتی نداشته باشیم بلکه کارخانجات و شرکتهای موسسات اقتصادی متعلق به همه مردم باشد، منابع ثروت جامعه متعلق به همه مردم باشد و همه مردم بتوانند آنرا سازمان بدهند و در جهت منافع همگان بکار بگیرند. این چیزی نیست جز نظام سوسیالیستی. به نظر من جامعه ایران از این وضعیت و فلاکت و دیکتاتوری که در صدسال اخیر، حال چه به اسم اسلام و چه به اسم سلطنت و در اغلب موارد با همدستی هر دو اینها، ایران برقرار بوده است راه برون رفتی ندارد بجز برانداختن نظم سرمایه داری. هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی راه حل جامعه ایران این است که سرمایه داری را از پایه براندازد و یک نظام سوسیالیستی مبتنی بر تامین منافع همه انسانها را پایه گذاری کند. این راه حلی است که حزب ما پرچم اش را در دست دارد و برای این مبارزه میکند. ۲۴ اوت ۲۰۲۲



Solidarität mit Salman Rushdie
همبستگی با سلمان رشدی





در مورد گردهمایی آزاداندیشان و بی‌خدایان در کلن

گفتگو با مینا احدی

زبان فارسی برای سهیل حیدر، میشائیل اشمیت سالمون و یا آرمین نبوی و احمد شروان، رعنا احمد و ... نام ببرم. موضوعات در مورد حجاب و جایگاه آن، مشکلات همجنسگرایان در کشورهای اسلام زده، رابطه اخلاقیات با مذاهب و یا تأثیرات مخرب روحی و روانی دخالت مذهب در زندگی مردم و همچنین دفاع از آزادی بیان و دفاع از سلمان رشدی و یا نقد مقدس شمردن مذهب و بستن دهانها با اتکا به قوانینی است که حتی در اروپا هم در برخی کشورها هنوز عمل میکنند، مثل پاراگراف ۱۶۶ در آلمان که

مریم نمازی و انصاف حیدر، میشائیل اشمیت سالمون و یا آرمین نبوی و احمد شروان، رعنا احمد و ... نام ببرم. موضوعات در مورد حجاب و جایگاه آن، مشکلات همجنسگرایان در کشورهای اسلام زده، رابطه اخلاقیات با مذاهب و یا تأثیرات مخرب روحی و روانی دخالت مذهب در زندگی مردم و همچنین دفاع از آزادی بیان و دفاع از سلمان رشدی و یا نقد مقدس شمردن مذهب و بستن دهانها با اتکا به قوانینی است که حتی در اروپا هم در برخی کشورها هنوز عمل میکنند، مثل پاراگراف ۱۶۶ در آلمان که

انترناسیونال: گردهمایی بین المللی آزاداندیشان و بی‌خدایان اکس مسلم در شهر کلن در روزهای ۲۱-۲۰ اوت که از سوی سازمان اکس مسلم بریتانیا و آزاداندیشان لبنان سازمان داده شده بود، شما یکی از سخنرانان بودید و در تمام برنامه این دو روز حضور داشتید. ضمن تبریک صمیمانه به شما و سازماندهندگان این گردهمایی و بویژه به مریم نمازی که سازمانده اصلی این برنامه بود، برای ما درباره این گردهمایی بگویید. شخصیت‌های شرکت کننده را معرفی کنید! موضوعاتی که سخنرانان به آن پرداختند چه بود!

مینا احدی: کنفرانس دو روزه در شهر کلن در آلمان که به همت مریم نمازی و نهاد اکس مسلم بریتانیا و سازمان آزاداندیشان لبنان سازمان یافته بود، یکی از مهمترین نشست‌های بی‌خدایان و اکس مسلم‌ها بود که با حضور ۵۰ سخنران از ۳۰ کشور جهان برگزار شد. در دو روز پانل‌های فشرده با حضور چند سخنران، ما شاهد بودیم که فعالین سرشناسی از کانادا و آمریکا و کشورهای اسکندیناوی و اروپا و... به این محل آمده و در تجربه فعالیت‌های خود و همچنین نگاه و نظرات خود در مبارزه با اسلام و جنبش اسلامی، و همچنین در نقد مذاهب و نحوه مقابله با دخالت مذاهب در زندگی را با حاضرین در میان می‌گذاشتند. همچنین باید اضافه کنم هنرمندانی هم در این دو روز برنامه‌های جذاب هنری اجرا کردند که آنهم معطوف به همین موضوعات بود. از معروف ترین چهره‌های آنتیست و منتقد مذهب که در کنفرانس بودند میتوانم از ریچارد داوکینز و

منتقد اسلام و حکومت اسلامی که به اعدام محکوم شد و بدلیل اعتراضات در ایران و در دنیا حکم اعدام او ملغی شد ولی سهیل کسی هست که در راه مبارزه علیه حکومت و در دفاع از آزادی اندیشه و بیان لطمات زیادی خورده و حتی مادر او را نیز دستگیر کرده‌اند.

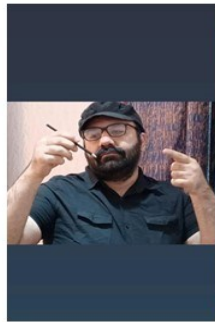
و خانم مریم هلی لوکاس موسس یک سازمان مدافع حقوق زنان و یک فعال خستگی ناپذیر در دفاع از آزادی بیان هست.

بسیاری از چهره‌های سرشناس با درد دست داشتیم عکس سلمان رشدی راهپیمایی کنند و فریاد زنده باد سلمان رشدی سردهند یک واقعه تاریخی شد که در تاریخ مبارزات برای آزادی بیان و علیه حکومت نکبت اسلامی و فتوا دهندگان در اذهان باقی خواهد ماند.

انترناسیونال: سهیل عربی، ریچارد داوکینز و مریم هلی لوکاس جایزه قهرمانان آزاد اندیشی را دریافت کردند. نقش این

انترناسیونال: شرکت کنندگان این گردهمایی در پایان روز اول این برنامه با شعار زنده باد سلمان رشدی و ما در کنار سلمان رشدی هستیم در مرکز شهر کلن دست به راهپیمایی زدند که مورد توجه مردم قرار گرفت. چه شد که این تصمیم گرفته

در یافت کنندگان جایزه قهرمانان آزاد اندیشی سهیل عربی، ریچارد داوکینز و مریم هلی لوکاس



انترناسیونال: تأثیرات این گردهمایی در فضای سیاسی ایران را چگونه ارزیابی میکنید!

مینا احدی: طبعاً باید این کنفرانس را که اساساً به زبان انگلیسی بود، برای مردم ایران هم پخش کرد و هم تا حد امکان ترجمه کرد. اینکه دو هفته بعد از حمله به سلمان رشدی تجمع بزرگ بی‌خدایان در کلن برگزار میشود و صدها نفر در آن شرکت میکنند از یک سو نشان دهند رشد جنبش بی‌خدایی در عین حال در کشورهای اسلام زده است و همچنین نشان میدهد که ما نمی‌ترسیم و دنیا از دخالت اسلام و جنبش اسلامی در زندگی مردم و تروریسم اسلامی به تنگ آمده و اکنون فضای ترس شکسته و بسیاری با ما هم عقیده شده‌اند که باید در مقابل این جنبش ایستاد. این کنفرانس در عین حال تأکید میکرد که سر مار اسلام سیاسی در تهران است و باید علیه آن مبارزه کرد و به درست در دفاع از سلمان رشدی، علیه حکومت اسلامی صحبت میشود.

سه نفر چه بود که جایزه به آنها تعلق گرفت؟
مینا احدی: ریچارد داوکینز که برای همه چهره‌های آشنا هست، زیست‌شناس بریتانیایی، استاد دانشگاه آکسفورد، نویسنده کتاب‌های علمی و منتقد سرشناس مذهب، و مهمتر از همه مدافع جنبش اکس مسلم و مبارزینی همچون مریم نمازی و رعنا احمد است. کتاب‌های او در ابعاد میلیونی در کشورهای اسلام زده بفروش رسیده و سخنرانی‌های او منبع مهم آموزش بی‌خدایان در دنیا است. سهیل عربی آنتیست و

در نقد آن صحبت شد و قطعنامه‌ای هم به تصویب رسید. همچنین در مورد دفاع از سلمان رشدی و یا گسترش دادن مبارزات آگاه‌گرانه و خواست جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش و .. و یا روز جهانی سکولاریسم نیز قطعنامه‌هایی تصویب شد.
انترناسیونال: موضوع سخنرانی خودتان چه بود؟
مینا احدی: من دو بار روی استیج رفتم، یکبار وقتی جایزه قهرمان آزاد اندیشی را به سهیل عربی تقدیم کردند که کوتاه به

هورر!!! زنان اجازه ورود یافتند!

کاظم نیکخواه



ذره ذره داریم به عصر تمدن نزدیک می‌شویم. امروز ۳ شهریور در مسابقه فوتبال استقلال و مس کرمان، ۵۰۰ زن اجازه یافتند که وارد استادیوم شوند و مسابقه را تماشا کنند. ظرفیت استادیوم آزادی صد هزار نفر است. از این صد هزار نفر جای ۵۰۰ نفر به زنان داده شده است. یعنی یک در دو بیست. اما برای جمهوری اسلامی این یک پیشرفت حلزونی از قهقرا به تمدن است. البته با اعتراضات وسیع زنان و مردان. و البته با پس گردنی فیفا که گفته است اگر زنان اجازه ورود نداشته باشند ایران از مسابقات جهانی فوتبال حذف خواهد شد.

انسیه خزعلی رییس امور زنان در دولت ریسی در یک مصاحبه گفت که او کنترل کرده و همه چیز عالی است. "نه صدای زنان به مردان میرسد و نه صدای مردان به زنان!" خب اینهم بسیار نکته مهمی است. چون رسیدن صدای زنان به مردان و صدای مردان به زنان بسیار خطرناک و مهلک است! زنان از در دیگری وارد استادیوم میشوند و در طبقه دوم در گوشه ای جای خواهند گرفت.

تو رو خدا یک فرهنگستان درست کنید که کلمات جدیدی برای بیان این حد از تحجر و عقب ماندگی و زنگ زدگی مغزی خلق کند. خفه شدیم از بس کلمه کم آوردیم! این موجودات از کدام کره، از کدام عصر، از کدام جهنم دره آمده اند که فکر میکنند حتی صدای مرد نباید به زنان برسد و برعکس!!

بیخود نیست که زنان عمامه را زیر پال له میکنند و فاطمه کماندو ها را از اتوبوس بیرون می اندازند. تازه این اول ماجراست.



جیمز وب و جمهوری اسلامی

پشت پیشرفت علم مصالح انسانی قرار دارد و در پشت بقای دین و خرافه، مصالح ستمگران و استثمارگران. اقلیت بی خاصیت استثمارگر بقای خود را در بقای خرافه و تعصب و خرافه پرستی میداند و با پول و سرکوب و توطئه گری به بقای مذهب و خرافه و تعصب کمک میکند. به همین دلیل مبارزه با ستم و استثمار بدون مبارزه با خرافه و تعصب و مذهب ممکن نیست. هرچه علم بیشتر



روزگار غربی است. در دوره ای زندگی میکنیم که از یک سو بشر با ماهواره های بسیار پیشرفته از قبیل جیمز وب دارد به عمق کیهانشانها نفوذ میکند و اسرار کائنات را یکی بعد از دیگری میشکافد و رونمایی میکند اما از سوی دیگر هنوز خرافه پرستان و پیروان ادیان و خرافات در کشوری مثل ایران و افغانستان حکومت میکنند و زنان و دختران را به جرم عدم رعایت حجاب زندانی میکنند، شهروندان را به جرم عدم اعتقاد به خرافه و مذهب دستگیر و زندانی میکنند و از منبرها و بلندگوهایشان افسانه خلقت و شیطان و اجنه را تبلیغ میکنند، و سلمان رشدی نویسنده مشهور را به جرم نوشتن کتاب مهدور الدم اعلام میکنند و او را ترور مینمایند. روزگار غربی است. این دو در کنار هم نمیتوانند باقی بمانند. با علم یا خرافه. یکی با عقل و مغز و فکر پیشرفت میکند. و دیگری موجودیتش به بستن دهانها و تعطیل کردن مغزها و شکستن قلمها گره خورده است.

پیشرفت میکند خرافات و تعصبات بی ربط تر میشود و توسل به زور و سرکوب برای بقای مذهب ضروری تر میگردد. دیکتاتورهای مذهبی ای نظیر جمهوری اسلامی و طالبان از این واقعیت سرچشمه میگیرند.

نتیجه اینکه تنها با علم نمیتوان به جنگ صنعت مذهب رفت. و در عین حال بدون مبارزه با مذهب و تعصبات و خرافات نمیتوان از نظام ستم و استثمار خلاص شد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

ایران را به حساب مردم ایران و فرهنگشان گذاشته اند. مدام این تصویر را داده اند که گویا این حکومت و قوانینش مورد قبول مردم است. تصویری که مدتهاست به یمن چالشهای سیاسی گسترده مردم ایران با جمهوری اسلامی و قوانین شرعیش دیگر خریدار ندارد.

بعد از فتوای خمینی و تحرک جدید اسلام سیاسی و عریده کشیهای خیابانیهایشان، در میدیای رسمی غرب این تصور دامن زده شد که گویا با رمان "آیات شیطانی" به عقاید مسلمین جهان توهین شده است و مسلمین جهان هم به جهاد علیه سلمان رشیدی برخاسته اند. تصویری تماما کذب و وارونه. جلال العظم در کتاب "سلمان رشیدی و حقیقت در ادبیات" این تصویر وارونه را که گویا "سراسر جهان اسلام، خود به خود علیه رمان آیات شیطانی و نویسندگانش" برخاسته به چالش می کشد.

نویسنده مواضع ارتجاعی مراکز قدرت و تصمیم گیری در غرب را افشا میکند که به دلایل و انگیزه های سیاسی به جای دفاع علنی از آزادی بیان رشیدی مستقیم و غیر مستقیم با تعرض اسلام سیاسی به آزادی بیان مماشات کردند. او دهها مثال از سران سیاسی این دولتها مثل جرج بوش و جیمی کارتر و مارگارت تاچر و ژاک شیراک و مقامات مذهبی مثل اسقف نیویورک تا خود واتیکان و شورای خاخامها و... را مثال میزند که به روی ارابه تعرض به سلمان رشیدی پریدند. "این غرب حتی یک کلمه در دفاع از رشیدی بر زبان نیاورده و کلمه ای در ستایش از رمان آیات شیطانی نگفته است" و این یعنی اینکه "اتحاد مقدسی" میان "دست راستی ها - به ویژه جناح مذهبی آن - و نیروهای راست اسلامی به وجود آمده که با رمان سلمان رشیدی در صفحه ۹

اروپای شرقی که به غرب پناهنده شده اند دفاع میکردند، از رشیدی و رمان او دفاع نکرده اند...."

و بالاخره نویسنده، این صف خجول و ترسو و فرصت طلب را ضمن مقایسه سلمان رشیدی با نویسندگان صاحب نام در تاریخ غرب تحقیر میکند: "رشیدی به عنوان یک رمان نویس، با بمبئی و با "شهر آشکار ولی ناپیدا" (یعنی شهر مهاجرین رنگین پوست در دل لندن) همان کاری کرده است که بالزاک به عنوان رمان نویس با پاریس کرده بود و چارلز دیکنز با لندن و جیمزجویس با دوبلن و نجیب محفوظ با قاهره".

از نظر نویسنده مهمترین دستاورد "آیه های شیطانی" این است که "برای نخستین بار در تاریخ معاصر، اثری خود را، با تمام قدرت، هم به جهان اسلام و هم به اروپا تحمیل میکند آنهم در قالب جنجالی بزرگ و در آن واحد ادبی - دینی - انتقادی. پیش از این، جهان اسلام به طور کلی و جهان عرب به طور خاص، سر و صدای نقد دین را در اروپا توسط کسانی چون ولتر، اسپینوزا و مارکس شنیده بود، ... اما پس از انتشار آیات شیطانی دیگر چنین انزوایی وجود ندارد...".

و باید تاکید کرد که جهان غرب آته نیست بی پروا کم ندارد که ادیان را و مشخصا اسلام را با قدرت تمام به چالش کشیده باشند، اما این فتوای خمینی برای کشتن سلمان رشیدی بود که سهم بسزایی در جهانی شدن، مشهور و محبوب شدن "آیات شیطانی" و نویسنده اش ایفا کرد.

اتحاد مقدس جریانات دست راستی در غرب و اسلام سیاسی

میدانیم که چطور برای سالهای سیاستمداران حاکم در غرب، رسانه ها و تحلیلگران و مفسرین زیادی حکومت اسلامی و قوانین اسلامی حاکم در جامعه



"سلمان رشیدی و حقیقت در ادبیات" معرفی کوتاه یک کتاب

محسن ابراهیمی
ebrahim1917@g
mail.com

بعد از اقدام تروریستی اخیر علیه سلمان رشیدی سرخ کتابی رفتم که سالها پیش خوانده بودم. کتاب "سلمان رشیدی و حقیقت در ادبیات" به قلم صادق جلال العظم. این کتاب یکی از تیزترین، پربارترین و جسورانه ترین دفاع از سلمان رشیدی و "آیات شیطانی" است که درست زمانی که خیلی از مدعیان آزادی بیان در غرب و شرق سلمان رشیدی را در مقابل تروریسم اسلام سیاسی به سرکردگی خمینی تنها گذاشته بودند منتشر شد. حمایت بی پروای نویسنده با قلمی تیز و صریح از سلمان رشیدی - مخصوصا در متن محافظه کاری بزدلانه رایج در مقطع اعلام فتوی - را باید بسیار ارج گذاشت. مخصوصا اینکه نویسنده یک استاد دانشگاه اهل سوریه است. کشوری که جمهوری اسلامی نقش فعالی در به خون کشیدن قیام شهروندانش علیه بشار اسد فاسد و دیکتاتور ایفا کرد.

در این نوشته فقط فرازهایی از کتاب را با شما خوانندگان سهیم میشوم. "شاید همه گلهای را بتوانند نابود کنند اما هرگز نمی توانند بهار را از فرارسیدن باز دارند."

این شعری از پابلو نرودا در مطلع کتاب است که زیبا و موجز از نقش خونبار اسلام سیاسی در تاریخ نیم قرن اخیر تصویر میدهد. جنبشی که هر جا قدم گذاشته گلهای زیادی را لگدمال کرده است اما نه

تنها نتوانسته و هرگز نخواهد توانست "بهار را از فرا رسیدن باز دارد" بلکه میلیونها گل در همین کشورهای اسلام زده شکفته اند. در خود ایران مدتهاست مردم خیز برداشته اند تا اسلام سیاسی و حکومتش و آیت الله هایش را در لجنزار خود برای همیشه مدفون کنند.

حمله به کتابی که نخوانده اند!

نویسنده قبل از هر چیز، دست "برجسته ترین روشنفکران" را رو میکند که "به کتابی حمله کرده اند که آن را نخوانده اند". تعداد زیادی اسامی دانه درشت از ادبا و اساتید و پروفیسورها را نام می برد که به اعتراف خودشان کتاب را نخوانده اند اما سلمان رشیدی را "به کودکی و نادانی و تنگ نظری و حماقت" متهم کرده اند. در پاسخ به مدعیانی که "آیات شیطانی" را در چهارچوب تصویرسازی مستشرقین از کشورهای شرق قرار میدهند، میگوید که این خود سلمان رشیدی است که اتفاقا در آثار خود تلاش غرب و مستشرقین برای حفظ "معنویات شرق در افسونها و شکفتی ها و استبداد آن" به نحوی طزآمیز و گزنده مورد انتقاد قرار میدهد و ادامه میدهد که "سلمان رشیدی به حمایت از شرق برمیخیزد اما نه هر شرقی به طور مطلق، بل شرقی که برای آزادی خویش از جهل و افسانه و خرافات و بینوایی و دیکتاتوریهایی نظامی و جنگهای طایفه ای و مذهبی تلاش میکند و نمیخواهد همچنان در

صادق جلال العظم همچنین دفاع صوری و سرسری و "خجول" از رشیدی توسط "روشنفکران" پرمدها در غرب را با برخورد آنها در دوران جنگ سرد مقایسه میکند که "هرگز حتی لحظه ای، آنطور که از ناراضیان شوری یا از نوشته های نویسندگان

"سلمان رشدی و حقیقت در ادبیات"

ادامه از صفحه ۸

رشدی و محتویات انتقادی و گرایشهای روشنگرانه و رادیکال درون آن به مبارزه" برخیزند. در باره اتحاد ارتجاع مسیحی و اسلامی علیه سلمان رشدی که میخوانیم که "روحانیون مسیحی فرانسه یادآوری میکنند که وقتی برخی از گروههای مسیحی با ایمان در اعتراض به نمایش فیلم "آخرین وسوسه مسیح" در سینمایی که آن را نشان میداد بمب منفجر کردند، جامعه مسلمانان مهاجر با روحانیون مسیحی ابراز همبستگی کرده بود." در ماجرای سلمان رشدی هم این بار رهبران جمعیتهای اسلامی در آمریکا بودند که خطاب به کاردینالها و اسقف ها و خاخام ها نامه های تشکرآمیز فرستادند که رماتی را محکوم کرده اند که "به ایمان به خداوند و وحی آسمانی و ابراهیم و دیگر پیامبران و اولیای ادیان اسلام و مسیحیت و یهودیت" توهین کرده است.

داستان پاپ هم جالب است که قبلا خشم خود را به امبرتوآکو و دو رمان معروفش نشان داده بود بدون اینکه جرئت فتوا و حکم اعدام علیه امبرتوآکو را داشته باشد به این دلیل ساده که عصر روشنگری و انقلاب کبیر فرانسه دستگاه مافیایی کلیسا و مسیحیت را بیش از دو قرن پیش به کنج کلیساها رانده است. به نظر میرسد که تعیین تکلیف مشابه با دستگاه مافیایی روحانیت اسلامی و اسلام سیاسی و دین اسلام بر دوش مردم ایران و انقلاب کبیرشان افتاده است.

معموله و تنش در هند بر سر آیات شیطانی اتفاقات بعد از انتشار "آیات شیطانی" در هند و

طرفداران اسلام اصولگرای سعودی و راجیو گاندی (نخست وزیر وقت) وارد معامله ای انتخاباتی میشوند. قرار بر این میشود که دولت آیات شیطانی را ممنوع کند و متقابلا راهپیمایی مسلمانان به سمت مسجد متوقف شود. یک معامله سیاسی میان دو جریان دینی و ناسیونالیستی. به این ترتیب است که پای رمان "آیات شیطانی" به عریده های خیابانی جریانات اسلامی کشیده میشود. در پاکستان هم حکام اسلامی فاسد در جنگ قدرت میان احزاب و باندهای اسلامی از کتاب "آیات شیطانی" برای تحریک بخشهای عقب مانده اسلامی استفاده سیاسی کردند. وقتی در پاکستان بینظیر بوتو - علیرغم هر سیاستی به عنوان یک زن انتخاب می شود - با پیروزی بوتو و حمایت آمریکا از او نیروهای محافظه کار اسلامی حامی ضیاء الحق و بعدا نوازشریف که سرخ گروههای اسلامی را در دست داشت تلاش میکنند از کتاب سلمان رشدی در خدمت تحریکات دینی استفاده کنند که میکنند. جالب

است که تازه خمینی "رهبر مسلمین جهان" که بعد از هشت سال زیر مین فرستادن جوانان کشور شکست خورده بود و جام زهر سرکشیده بود و از اعتراضات سیاسی و اجتماعی نگران بود تصمیم به تکفیر سلمان رشدی گرفت تا در داخل مردم را مشغول کند و در جهان موقعیت تضعیف شده اش در میان باندهای تروریستی اسلامی مثل حماس و حزب الله را با جنجال ناشی از این فتوی ترمیم کند.

رقابت بر سر مهاجرین در گتوهای کشورهای غرب

در بخشی از کتاب، نویسنده به رقابت میان دو شاخه ارتجاع اسلامی - سنی و شیعی - در میان مهاجرین و پناهجویان در گتوهای کشورهای غربی می پردازد و اینکه جنجال بر سر "آیات شیطانی" تلاشی در جهت تسلط بر "مسلمانان مهاجر" است. و "همه دلایل حاکی از این است که دستگاههای وابسته به رژیم سعودی سرچشمه تحریکاتی بوده اند که در محافل اسلامی انگلیس عموما و در شهر برادفورد خصوصا بر ضد رمان سلمان رشدی



صورت می گرفته است. این تحریکات در آغاز یکی از ابزارهایی بود که در کشمکش موجود بین آیت الله خمینی و خادم الحرمین (پادشاه سعودی)

است که مرکز فرهنگی آمریکا به آتش کشیده شود و نه مرکز فرهنگی بریتانیا که نویسنده "آیات شیطانی" تبعه اش است. بعد از این اتفاقات

ویرانه های یک معبد هندوی سابق ساخته بود و در جریان راهپیمایی دو طرف برای تصرف ساختمان، نماینده ای از حزب اسلامی جاناتا و از

بر سر تسلط بر مسلمانان مهاجر که در خارج از کشورهای اسلامی به سر می برند و برای چنگ انداختن بر سازمانها و نهادهای آنان و سرنوشتشان، از آنها استفاده میشود."

کتاب همچنین به هماهنگی میان گرایشهای راست افراطی درون حزب محافظه کار انگلیس و رهبران جامعه مسلمانان مهاجر اشاره میکند که "هر دو طرف در زندگی "گتو" مانند مهاجران منافع مشترکی دارند و لذا چنین اوضاع "نژاد پرستانه" ای را بدون آنکه هیچ رنگ رسمی و قانونی داشته باشد هم از نظر مادی و هم معنوی تقویت میکنند" چون به نفعشان است که "این گتوها با همه جهل و فلاکتی که در آن غرق اند باید حفظ شوند." صحبت بر سر حفظ شرایطی است که در آن "مسلمانانی" با ذهنیت "گتو" مانند خود در دنیایی بسته و به کلی ناپیدا به سر می برند. هر چند در یکی از شهرهای انگلیس اند اما در آنجا نیستند. ... آنان روزنامه های انگلیسی نمی خوانند و رابطه عاطفی آنان با رگ و ریشه های اجتماعی شان از طریق فیلمهای ویدئویی بسیار مبتذل برقرار میشود. منبع الهام آنان پیشنمازهای مساجد هستند که تحت تاثیر عوامل معینی به سود نیروها و دولتهای معینی کار میکنند که برای به دست آوردن دل مسلمانان با یکدیگر در رقابت اند."

این تصویر البته کامل نیست. برخلاف ادعای پوچ رئیس موسسه فرهنگی اسلامی در پاریس که بودجه اش را از جمهوری اسلامی ایران دریافت میکرد و گفته بود که با توجه به "نفوذ اسلام در این کشور، ... فرانسه دیگر به بخشی از پیکره امت اسلامی تبدیل شده است و تا چند سال دیگر پاریس پایتخت اسلامی خواهد

ادامه در صفحه ۱۰

"سلمان رشدی و حقیقت در ادبیات"

ادامه از صفحه ۹

بود..."، نظرخواهی نشان داده است که تنها ۹ درصد از "مسلمانان" فرانسه فتوای خمینی را تایید کرده اند.

عشرتکده "حجاب"

رشدی در رمان آیات شیطانی "آگاهانه، با حماسه تاریخی و بزرگ محمد و اسلام به مخالفت بر میخیزد، سیر عمومی حوادث و مراحل اساسی و مهمترین وقایع را به وام میگیرد" و با اتکا به ماجراهای روایت شده در باره محمد و زندگیش و کاراکتر و رفتارهایش "حماسه ای طنزآمیز" از اسلام کنونی و مبنایش خلق میکند.

داستان عشرتکده ای در مکه به نام "حجاب" که یکی از ارجاعات مرجعین اسلامی برای تکفیر کتاب و تهییج مومنین است یکی از این موارد است. عشرتکده ای در مکه که بعل شاعر هجوگوی دوره جاهلیت در آن پناه گرفته است. در این عشرتکده "نقش زنان ماحوند (محمد) و اسمهاشان به دخترانی که در عشرتکده کار میکنند داده شده است" و "اسارت و محاصره و گسست از جهان بنا بر شعار سنت اسلامی بر زنان

تحمیل میگردد؛ شعاری که به نام عفت و حیا و کلا اخلاق پسندیده همنشینی مرد را با زن و همنشینی زن را با مرد حرام می داند."

ربط بعل، این شاعر هجوگو در "آیات شیطانی" با داستان زندگی محمد چیست؟ "ماجرای بعل اشاره ای است به مبارزه بین محمد و دشمنان ایدئولوژیک در جاهلیه به طور کلی، و درگیری اش با برخی از شعرای معروف به طور خاص." برای مثال، ورود پروزمندانه ماحوند به شهر "جاهلیه" و کشته شدن بعل به دستور او در "آیات شیطانی"، از روایتهای مربوط به دستور پیغمبر دائر بر قتل کسانی که علیه او میگویند و پیغمبر هجو میگفتند و شعر میسرودند.

و با اشاره به این داستان که یکی از فرازهای خواندنی و نقادانه آیات شیطانی است، نویسنده پلی میزند میان ترس و نگرانی پیامبر اسلام از منتقدینش و شمشیر کشیدن بر شاعران و هجوگوها و رفتار مشابه خمینی با منتقدین خرافات اسلامی. "... همانطور که ماحوند در "آیات شیطانی" دستور داد بعل را

به خاطر شعر جسورانه اش دستگیر کرده، زنده یا مرده نزد او آورند، آیت الله های تهران نیز به پیروان خود دستور دادند سلمان رشدی را به خاطر رمان صریح و جسورانه ای که نوشته دستگیر کرده مرده اش - و نه زنده اش - را نزد آنها ببرند. " که البته باید گفت در هر دو مورد فاکتورهای سیاسی دخیل هستند. محمد برای تثبیت جایگاه متزلزل اولیه اش به ارباب دست میزند و خمینی هم برای مواجهه با شرایطی که مقطع قبول ناگزیر پایان جنگ هشت ساله با آن روبرو شده بود.

"نه وحی در کار است و نه کشکی"

صادق جلال العظم با دقت و تسلط تمام بر قرآن و احادیث نشان میدهد که چه چیزی دست مایه تعرض ارتجاع تروریستی اسلامی به سلمان رشدی شده است. مینویسد که سلمان رشدی هیچ چیز غیر واقعی به محمد و قرآن نسبت داده است. همه استنادات سلمان رشدی احادیث و روایتهای معتبر تاریخی و آیه های قرآن است. او توانسته است این روایتها و آیات را در قالب یک رمان و رئالیسم جادویی بازسازی کند. حدیث "غرانیق" که در چند آیه قرآن هم به آن اشاره شده است منبع سلمان رشدی در "آیات شیطانی" است. کتاب صادق جلال

العظم را وقتی دقیق میخوانی نشان میدهد که این حدیث و آیه های مربوط که همان آیه های شیطانی است (شیطان در دهان محمد گذاشته است) حاکی از این است که محمد یک فرد است. یک شخص است. هیچ قدوسی ندارد. نه تنها این بلکه بر اساس نیاز سیاسی منظم کله معلق میزند. دروغ میگوید. حرف عوض میکند. و در همه این لحظات هم موجودی به نام جبرئیل - ملک مقرب خدا - نقش دلال سیاسی را ایفا میکند. این جبرئیل است که تنشها و تناقضات درونی محمد در رابطه با تلاشش برای جذب قبیله قریش را با آیه های ناسخ و منسوخ راست و ریس میکند. محمد برای جذب قبیله قریش ضمن خواندن سوره نجم از دو آیه سخن میگوید که گویا وحی شده است که سه بت لات و عزی و منات مورد پرستش در قبیله قریش میتوانند شفاعت کنند و به این ترتیب خواسته قبیله قریش را به سمت دعوتش جذب کند. وقتی به دلیل محاسبات سیاسی نظرش عوض میشود فوراً جبرئیل وارد صحنه میشود که گویا این دو آیه را شیطان در دهان محمد گذاشته است و بالاخره با دلالی جبرئیل آیه ها منسوخ میشوند. در این بخش رمان "آیه های شیطانی" معلوم میشود که پیغمبر خدا شخصی است

که با آیه های به اصطلاح وحی شده دارد دستور سیاسی خودش را پیش می برد. معلوم میشود که این پیغمبر که آنقدر مقدس است که نمیتوان حتی به تصویرش کشید و هر کس بگوید بالای چشمش ابروست مستحق مرگ است منظمآ اشتباه میکند، دروغ میگوید و اشتباهات و دروغش را با حقه بازی از طریق ملک مقرب به نام جبرئیل ماستمالی میکند.

در کتاب "سلمان رشدی و حقیقت در ادبیات"، این بحث در باره کاراکتر سیاسی محمد با اشاره به نقش سلمان فارسی تکمیل میشود که به عنوان یک کاتب هوشمند وحی شک میکند که واقعا آیه ها به محمد وحی میشوند؟ چون وقتی آیه ها را برای پیامبر بازخوانی میکند، پیغمبر متوجه خطاهایی که هنگام نگارش پیش آمده است نمیشود و سلمان متقاعد میشود که "نه وحی در کار است و نه کشکی". ***

۲۵ اگوست ۲۰۲۲

(1) "سلمان رشدی و حقیقت در ادبیات" به قلم صادق جلال العظم ترجمه زنده یاد تراب حق شناس. انتشارات سنبله. هامبورگ. آذرماه ۱۳۷۸

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سر دبیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک: حزب: www.facebook.com/wpiiran

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hk4

وبسایت: www.wpiiran.org

محکومیت حمید نوری و تقلابهای جمهوری اسلامی



حسن صالحی
پس از صدور حکم
حبس ابد از سوی دادگاه
بدوی در استکهلم برای
حمید نوری یکی از عوامل
کشتار زندانیان سیاسی در
سال ۱۳۶۷، جمهوری
اسلامی در پی این بوده
است که این دادگاه و
حکمش را پی اعتبار اعلام
کند و دولت سوئد را برای
ابطال این حکم تحت فشار
بگذارد. اخیراً نیز وزیر
خارجیه جمهوری اسلامی در
دیدار با سفیر سوئد در
تهران با وقاحت و پررویی
تمام خواستار "تبرئه کامل"
حمید نوری شد.

از ابتدا که حمید نوری
در نهم نوامبر ۲۰۱۹ ر
فرودگاه استکهلم دستگیر
شد و تا مدتی پس از آن
رژیم اسلامی در مقابل
چنین رویدادی سکوت
اختیار کرد. اما با گذشت
زمان و دادگاهی شدن
حمید نوری جمهوری
اسلامی رویه خود را تغییر
داد و به تبلیغات
دروغین در مورد دادگاه
حمید نوری پرداخت و هر
چه بیشتر به این محاکمه
تاخت و اینهمه را در سال
گذشته در قالب یک
گزارش در مرکز رسانه قوه
قضائیه جمهوری اسلامی
منتشر کرد. پس از ۹ ماه و
برگزاری ۹۲ جلسه دادگاه و
اعلام حکم حبس ابد برای
حمید نوری، کاظم
غریب‌آبادی معاون امور
بین‌الملل قوه قضائیه
سوئد را تهدید کرد که
جمهوری اسلامی "بیکار
نخواهد نشست" و
"چندین گزینه روی میز
دارد". دولت سوئد که
انتظار واکنش انتقام
جویانه جمهوری اسلامی را
داشت از شهروندان خود
خواست که از سفر به
ایران خودداری کنند. با این

و باعث گشودن دریچه‌ای
برای محاکمه کلیه سران
جمهوری اسلامی در سطح
بین‌المللی شد.

قتل عام زندانیان
سیاسی در سال ۱۳۶۷ که
اینروزها سالگرد آن را پشت
سر می‌گذاریم توسط کل
حکومت جمهوری اسلامی
معماری شد. همه مقامات
و مسئولین کنونی و سابق
جمهوری اسلامی از خمینی
و خامنه‌ای و رفسنجانی و
موسوی و روحانی گرفته تا
رئیس‌ی و نیری، اشراقی و
پورمحمدی و تا شکنجه
گران و آنها که در دولت و
مجلس و سیستم قضایی
دستور دادند و اجرا کردند
همه در این جنایت
هولناک سهیم و دخیل
بوده‌اند و از همین رو باید
به جرم جنایت علیه
بشریت محاکمه شوند.

بررسی پرونده حمید
نوری در دادگاه
استکهلم در واقع برشی بر
یک برهه از حیات پر از
جنایات جمهوری اسلامی
بود که با محاکمات چند
دقیقه‌ای منتقدین
حکومت، با شکنجه‌های
وحشیانه زندانیان سیاسی
و سپس اعدام نزدیک به

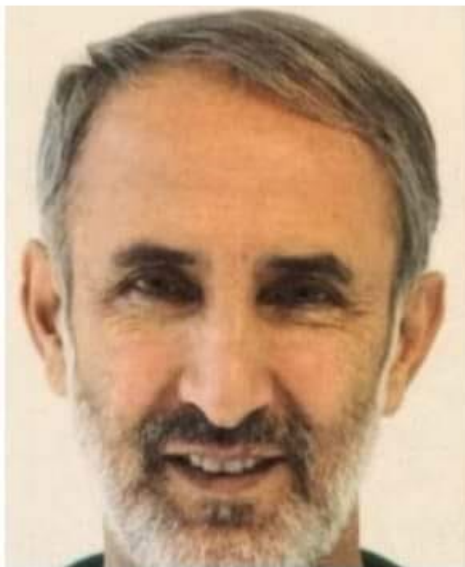
پنج هزار نفر از آنها و دفن
اعدام شدگان در گورهای
دسته جمعی و بی‌نام و
نشان و اذیت و آزار
خانواده‌های جانباختگان
گرده خورده است. دهها
شاهد زنده در مقابل چشم
جهانیان به تشریح و
توضیح رفتار جنایتکارانه
جمهوری اسلامی پرداختند
و شواهد و اسناد بسیاری
از این جنایت هولناک به
دادگاه عرضه شد. همه
فهمیدند که جلادانی که
ما فوق حمید نوری‌ها
بودند امثال کسانی چون
ابراهیم رئیسی هستند که
امروز در پست ریاست
جمهوری همچنان به انجام
آن جنایات افتخار می‌کند
و به ارتکاب جنایت
مشغول هستند. پس از
دادگاه استکهلم همه
دادخواهان بدست از این
سخن می‌گویند که بعد از
حمید نوری توبت ابراهیم
رئیس‌ی است.

جمهوری اسلامی با
کشتارهای دهه شصت
زخم عمیقی بر پیکر جامعه
ایران وارد آورد اما با پیگیری
جنبش دادخواهی و
برگزاری دادگاه حمید نوری
چنان زخمی خورده است
که او را به تقلا واداشته

است. نگرانی از محاکمه
تک تک کسانی که آمرین و
عاملین این جنایت بودند
سرپای رژیم اسلامی را
فراگرفته است. بی اعتبار
اعلام کردن محاکمه حمید
نوری کمکی به نجات آنها
نخواهد کرد. دادخواهی از
کشتارهای دهه شصت و
کلیه اعدامها و جنایات
رژیم یکی از جنبشهای
اعتراضی رو به گسترش و
بخشی از جنبش سرنگونی
طلبانه مردم است. خانواده‌ها و
بازماندگان
قربانیان دهه شصت،
وابستگان کلیه افرادی که
بدست جلادان حاکم اعدام
و شکنجه شده یا به زندان
افتاده و زندگیشان تباه
شده است، همه زندانیان
سیاسی، فعالین جنبش
علیه اعدام، فعالین جنبش
برای آزادی زندانیان
سیاسی، و همه مردم آزاده
ایران خواهان روشن شدن
پرونده جنایات حکومت و
محاکمه کلیه آمرین و
عاملین این جنایات
هستند. این اصلی ترین
نگرانی رژیم است. برای
مردم ایران دادگاه استکهلم
و محاکمه حمید نوری فتح
یک سنگر مهم در زمینه
دادخواهی بود. مسببان
اصلی جنایات دهه شصت
اما همچنان بر سر کارند. تا
کشاندن همه آنها به پای
میز محاکمه ما از پای
نخواهیم نشست.

کشتار زندانیان سیاسی
در تابستان
سال ۱۳۶۷ در خفا
و در سکوت کامل انجام
گرفت. ولی با پافشاری
خانواده بزرگ دادخواهان
در ایران جمهوری اسلامی
نتوانست بر این جنایت
سریوش بگذارد. جنبش
دادخواهی ایران سدهای
سکوت و خفقان را
شکست و صدایش را به
گوش جهانیان رساند. به
مقامات جمهوری اسلامی
اعلام می‌داریم که در
انتظار "تبرئه" حمید
نورهای نباشد. بلکه بر
عکس در انتظار محاکمات
مشابه حمید نوری برای
خود باشید. نه میبخشیم و
نه فراموش می‌کنیم.

عدالت با محکومیت حمید نوری به پیروزی رسید!



یک بار دیگر از دولت آمریکا می خواهیم که از صدور اجازه ورود به آمریکا به ابراهیم رئیسی خودداری کند. جای رئیسی نه در مجمع عمومی سازمان ملل، بلکه در دادگاه برای رسیدگی به جنایات او علیه بشریت است. اجازه ورود دادن به رئیسی برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل توهینی بزرگ به مردم ایران، مردم آمریکا و خانواده های داغدار قربانیان بی شمار این فرد است.

ما بر خواست خود برای بابکوت همه جانبه سیاسی، تسلیحاتی، فرهنگی و ورزشی جمهوری اسلامی تاکید مجدد می کنیم. نه کنار آمدن و مامشات، بلکه انزوای سیاسی و فشار جهانی تنها پاسخ درست به وحشی گری و تروریسم ابراهیم رئیسی و حکومت اوست.

دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اوت ۲۰۲۲
(ترجمه از اصل نامه به انگلیسی)

رشدی به خواست جمهوری اسلامی، که فتوای قتلش را خمینی صادر کرده بود و سران حکومت مرتباً خواهان کشتن وی بعنوان یک وظیفه اسلامی بوده اند، از آخرین نمونه های تروریسم جمهوری اسلامی در خارج کشور است.

جنایتکاری مانند ابراهیم رئیسی که مسئول چین جنایات هولناکی است نباید اجازه ورود به آمریکا برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل داشته باشد. تنها سناریویی که در آن به رئیسی باید اجازه داده شود که وارد آمریکا یا هر کشور غربی دیگر شود برای حضور در دادگاه برای رسیدگی به جنایات او علیه بشریت است. در همین رابطه، ماه گذشته یکی از همدستان رئیسی در جریان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، یعنی حمید نوری، بدنبال یک دادگاه تاریخی در سوئد بدلیل دست داشتن در کشتار زندانیان سیاسی به جرم قتل و جنایات جنگی به حبس ابد محکوم شد.

اسلامی، رئیسی در راس دولتی بوده است که سرکوب فعالین سیاسی و اجتماعی را ادامه داده، مجازات اعدام را در مورد صدها نفر بمورد اجرا گذاشته، گله های "عفاف و حجاب" را در خیابان ها برای حمله وحشیانه به زنان رها ساخته و تنها در چند هفته گذشته وحشیانه ترین مجازات های اسلامی مانند قطع انگشتان دست و کور کردن چشم را اجرا کرده است.

در عین حال، دولت رئیسی اقدامات تروریستی خود در خارج کشور و جمله در آمریکا برای ترور و آدم ربائی (با هدف انتقال به ایران، بازجویی زیر شکنجه، اعتراف گیری اجباری و نهایتاً اعدام) را ادامه داده است. علاوه بر آن، به بازداشت شهروندان خارجی و افراد دو تابعیتی بجرم واهی جاسوسی بمنظور باج گیری از دولت های خارجی برای پول، امتیاز گیری سیاسی و یا استرداد تروریست های محکوم شده اش ادامه داده است. سوء قصد به نویسنده سرشناس سلمان

نامه سرگشاده به دولت آمریکا: ابراهیم رئیسی نباید به مجمع سازمان ملل راه داده شود: او باید بخاطر جنایت علیه بشریت دستگیر شده و محاکمه شود

سپس بعنوان رئیس قوه قضائیه مسئول دستگیری، شکنجه، شلاق زدن، اعتراف گیری های اجباری و اعدام هزاران فعال سیاسی و افراد بیگناه بوده است. در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ رئیسی بعنوان رئیس قوه قضائیه به مامورین دولتی و نیروهای انتظامی که صدها تن از معترضین را کشتار کردند مصونیت داد. وی بعنوان عضو شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در تصمیم به شلیک عامدانه به پرواز مسافری پی اس ۷۵۲ در ۱۸ دیماه ۱۳۹۸ که به کشتار همه ۱۷۶ سرنشین آن انجامید شرکت داشت.

پس از انتصاب بعنوان رئیس جمهور حکومت

حکومت اسلامی ایران اعلام کرده است ابراهیم رئیسی در نظر دارد که در مجمع عمومی سازمان ملل که از تاریخ ۱۳ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۲ برگزار خواهد شد شرکت کند. از دولت آمریکا می خواهیم از صدور ویزا به رئیسی بخاطر نقش وی در کشتار جمعی، جنایت علیه بشریت و همچنین فعالیت های تروریستی در خاک آمریکا خودداری کند.

ابراهیم رئیسی یک جنایتکار تحت پیگرد است. وی یکی از چهار عضو "هیات مرگ" تهران بود که هزاران زندانی سیاسی را در تابستان ۱۳۶۷ بطور جمعی کشتار کرد. رئیسی، طی چندین دهه بعنوان دادستان و

شرط او شوید. بگذار سعه و فرزندش بدانند که هزاران مدافع دارند که آنها را تنها نخواهند گذاشت. انسانیت و کرامت انسانی به شما مدافعان حقوق بشر امید دارد.

برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید با عزیزه لطفی، سخن گوی نه به تابو، نه به خشونت علیه زنان در این شماره تماس بگردید: 1-358-504-3 0 5 4 4 4 3
notoviolenceagainst
womeniniran@gmail
اکام

زنان در کردستان علیه تبعیض جنسیتی نه به تابو، نه به خشونت علیه زنان
23 آگوست 2022

می دهد. فقط برای یک لحظه چشم هایت را ببند و خودت را جای او تصور کن. آیا انتظار نداری زمان متوقف شود، چرخ ها از حرکت بایستند، و تمام احتمالات برای متوقف شدن این وضعیت به خدمت بگیرند؟ خداییش خیلی سخت نیست کافی است تمام سازمان های مدافع انسانیت صدای سعه باشند. با زنان کوردستان همراه شوید و نشان دهید انسانیت زنده است

از شما می خواهیم از سعه خدیری زاده و فرزندش دفاع کنید. اعتراض به جمهوری اسلامی ایران برای وضعیت سعه و خواستار آزادی بی قید و

حامله بود و اکنون یک کودک دوماهه دارد که در زندان به دنیا آمده است. سعه از ابتدای بازداشت در معرض شدیدترین شکنجه های جسمی، جنسی و روحی قرار گرفته و این شکنجه ها همچنان ادامه دارد. به نوعی با فضای زندان های ایران آشنا هستید. سعه را مجبور کردند اعتراف کند که در فرار شوهرش از ایران دست داشته است. مجبورش کردند اعتراف کند که در قتل یک مامور اطلاعاتی دست داشته و گفتند اگر به این اعتراف موافقت نکند کودک دوماهه اش را شکنجه می کنند. از این رو در زیر این فشارها سعه خودکشی می کند و به کودک دو ماهه اش مقداری قرص

زنان در کردستان علیه تبعیض جنسیتی نه به تابو، نه به خشونت علیه زنان



آیا سعه خدیرزاده را می شناسید؟ او زن جوانی است که نزدیک به یک سال در زندان ارومیه به سر می برد. وی در شهرستان پیرانشهر بازداشت شد، در حالی که

ما مدافعان حقوق زن به قلب های شما می پردازیم. سعه خدیرزاده و فرزندش به امید انسانیت و تلاش شما جواب شما چیست؟

تشکیلات خارج کشور حزب در هفته‌ای که گذشت

تلویزیون کانال جدید منعکس گردید.

آلمان
واحد فرانکفورت
فعالین
فرانکفورت
کمونیسست کارگری در
تجمع اعتراضی روز شنبه
۲۰ اوت که به فراخوان
کانون نویسندگان ایران
«در تبعید» و انجمن قلم
ایران «در تبعید» در
محکوم کردن ترور سلمان
رشدی برگزار شد شرکت
کرده و از این اعتراض
حمایت کردند.

واحد کلن
در روزهای ۲۱ و ۲۲

کمیته اسکاندیناوی
روز دوشنبه ۲۲ اوت
۲۰۲۲ در شهر گوتنبرگ
سوئد در پاسخ به فراخوان
سه نهاد کمیته بین المللی
علیه اعدام، کمیته برای
آزادی زندانیان سیاسی
و کمیته برای آزادی
کارگران زندانی (فری دم
ناو) آکسیون اعتراضی
برای رهایی چهار پیشمرگ
زندانی در ایران برگزار شد.
در این پیکت که با
شرکت و حمایت واحد
یوتبوری حزب کمونیست
کارگری برگزار شد عبدالله
اسدی عضو دفتر سیاسی
حزب و عضو کمیته
یوتبوری سخنرانی کرد.
گزارش این آکسیون در

اوت در شهر کلن آلمان
کنفرانس بزرگ دو روزه
آنتیستهای جهان با بیش از
۵۰ سخنران سرشناس در
نقد مذهب و حجاب
اسلامی و موقعیت
آنتیستهای تحت حاکمیت
اسلامی در ایران و خاور
میانه برگزار شد.

در این همایش بیش از
۵۰ نفر از جمله ریچارد
داوکینز از انگلستان، رعنا
احمد از عربستان، احمد
شپروان از عراق، سارا نبی
از افغانستان، مینا احدی،
مریم نمازی، میلاد رسالی
منش و سهیل عربی از
ایران سخنرانان این همایش
بودند.

این کنفرانس به سهیل
عربی، ریچارد داوکینز و
مریم هلی لوکاس جایزه
قهرمانان آزاد اندیشی را
تقدیم کرد.

در انتهای روز اول
گردهمایی، حاضرین در این
کنفرانس در خیابان‌های

شهر کلن در حمایت از
سلمان رشدی و علیه
تروریسم اسلامی دست به
راهپیمایی زدند که با
استقبال گرم مردم روبرو
شد. علاوه بر مینا احدی
تعدادی از فعالین واحد
کلن حزب در کلن در این
کنفرانس و راهپیمایی روز
شنبه حضور داشتند.

کمیته
تشکیلات آمریکای شمالی

کمیته
تشکیلات آمریکای شمالی
حزب کمونیست کارگری با
اعلام حمایت از مارش
«عدالت برای پرواز ۷۵۲»
که از طرف آقای «مهرداد
زارعی» پدر آراد زارعی از
جوانان قربانی پرواز
۷۵۲ فراخوان داده شده
بود، شرکت کردند.

آقای زارعی مارش
«عدالت برای پرواز
۷۵۲» را با پیاده روی از
مزار آراد در شهر تورنتو تا

اوتاوا پایتخت کانادا را پس
از ۱۵ روز به سرانجام
رساند. این پیاده روی در
حمایت از مادران دادخواه
و قربانیان عملیات
تروریستی جمهوری اسلامی
علیه هواپیمای اوکراینی و با
هدف به محاکمه کشیدن
جانین و بانین ۴۳ سال
جنایت برگزار شد.

در انتها نامه اعتراضی
مهرداد زارعی به دولت
کانادا با خواست اعلام
تروریست بودن سپاه
پاسداران داده شد.

کمیته تشکیلات خارج
کشور حزب کمونیست
کارگری در تدارک
آکسیونهایی علیه حضور
رئیی در اجلاس سازمان
ملل در نیویورک است.

کمیته خارج کشور
حزب کمونیست کارگری
ایران

۲۵ اوت ۲۰۲۲



ما بر خواست خود برای بایکوت همه جانبه سیاسی، تسلیحاتی، فرهنگی و ورزشی جمهوری اسلامی تاکید مجدد می کنیم. نه کنار آمدن و مماشات، بلکه انزوای سیاسی و فشار جهانی تنها پاسخ درست به وحشیگری و تروریسم ابراهیم رئیسی و حکومت اوست.

دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران



شعبان محمدی، مسعود نیکخواه و آیشا اسداللهی آزاد شدند

روز ۲۹ مرداد شعبان محمدی و مسعود نیکخواه دو نفر از اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و آیشا اسداللهی از فعالین اجتماعی آزاد شدند. همچنین در بیست و هفتم مرداد ماه اسکندر لطفی سخنگوی شورای همانگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بعد از ۱۰۸ روز حبس با قرار وثیقه ۲ میلیاردی آزاد شد. قبل از اینها نیز ریحانه انصاری نژاد در پانزدهم مرداد ماه پس از ۸۷ روز حبس آزاد شده بود. آزادی همه این عزیزان را به آنها، به خانواده هایشان و به همگان تبریک میگویم. همانگونه که قبلا به اطلاع رسانده ایم در نیمه ماه مه و به همراه بازداشت دو شهروند فرانسوی، خانم سیسیل کولر و همسر وی ژاک پاری تعدادی از معلمان و فعالین کارگری و فعالین اجتماعی با اتهام نخ نمای جاسوسی و ایجاد آشوب در کشور بازداشت شدند. این در حالیست که سیسیل کولر و ژاک پاری عضو اتحادیه آموزش فرانسه هستند و سیسیل کولر از اعضای برجسته سازمان "آموزش بین الملل" و اتحادیه آموزش فرانسه و همسرش ژاک پاری نیز عضو این سازمان است. علاوه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نیز از ابتدا از اعضای این سازمان بوده است و بنابراین ملاقات همه آنها کاملا طبیعی است. اساسا ملاقات افراد از هر کشور و شهری با یکدیگر مطلقا جرم نیست و یک حق طبیعی و پایه ای همه شهروندان همه کشورهاست. اما جمهوری اسلامی با یک سناریوی رسوا و نفرت انگیز، رسول بدایق، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه از اعضای کانون صنفی معلمان، حسن سعیدی و رضا شهابی از اعضای سندیکای شرکت واحد، واله زمانی عضو سندیکای نقاشان البرز و از کارگران اخراجی صنعت نفت و آیشا

اسداللهی، کیوان مهدی و ریحانه انصاری نژاد از فعالین اجتماعی را به همراه سیسیل کولر و ژاک پاری دستگیر کرد. بازداشت شدگان این پرونده مدتی طولانی برای اعتراف اجباری علیه خود زیر فشار و شکنجه قرار گرفته و حق ملاقات با خانواده نیز از آنها سلب شده بود. اما بدنال ایستادگی همه این عزیزان در برابر فشارهای حکومت در درون زندان و فشار کارزاری قدرتمند که انعکاسی جهانی داشت به تدریج از انفرادی به بندهای عمومی منتقل گردیدند و اکنون شاهد

آزادی تک به تک آنها هر چند با قید وثیقه هستیم. و این یک موفقیت نسبی علیه سناریو سازیهای حکومت و سرکوبگریهایش است. در حال حاضر سیسیل کولر، ژاک پاری، رسول بدایق، واله زمانی، رضا شهابی، حسن سعیدی و کیوان مهدی هنوز در بازداشت بسر میبرند و باید تمامی آنها بدون قید و شرط آزاد شوند. بویژه وضعیت واله زمانی بسیار خطری است. او مبتلا به بیماری خطرناک هیپاتیت ث بوده و از نهم خرداد ماه در زندان است و در این مدت علیرغم بیماری حاد زیر

شدیدترین فشارها قرار داشته است. گزارشات از افزایش آنزیم های کبدی وی به حد بسیار خطرناک بالای ۲۰۰۰ خبر میدهد. جمهوری اسلامی در قبال جان واله زمانی و همه زندانیان مسئول است. واله زمانی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود و تحت درمان و مداوا قرار گیرد. تمامی دستگیر شدگان این پرونده باید آزاد شوند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی
Shahla.daneshfar2@gmail.com
۳۰ مرداد ۱۴۰۱، ۲۱ اوت ۲۰۲۲

اطلاعیه خبری دوشنبه های آبی کشاورزان اصفهان، تجمع کارگران تولی پرس و بازنشستگان بانک تجارت

روز دوشنبه ۳۱ مرداد کشاورزان در اصفهان در ادامه اعتراضاتشان علیه بی آبی و آسیب دیدن کشت شان بخاطر بی آبی بار دیگر تجمع و اعتراض کردند. این اعتراضات از ۲۴ مرداد آغاز شده است. کشاورزان اعلام کرده بودند که اعتراضاتشان را

ناشی از آن به کشت و کار کشاورزان، و علیه مافیای آب و به خشکی کشیده شدن زاینده رود و وارد شدن آسیب های زیست محیطی در شهر اصفهان، زمزمه های اعتراض در میان کشاورزان و مردم معترض این شهر بالا گرفته است. تحصن یک ماهه سال گذشته کشاورزان و مردم اصفهان علیه بی آبی و مافیای آب تجربه ای درخشان و فراموش نشدنی است. با اتکاء به این تجربه امسال کشاورزان در موقعیت قدرتمندی برای پیشبرد اعتراضاتشان قرار دارند. کشاورزان اعلام کرده اند

که اگر جواب نگیرند با خانواده هایشان تجمع خواهند کرد. روز ۳۱ مرداد کارگران تولی پرس در اعتراض به مشکلات شغلی و تعویق چهارماه دستمزد و حق بیمه خود در محوطه داخلی محل کارشان تجمع کردند. "تعیین تکلیف کارخانه و داشتن امنیت شغلی" و پرداخت فوری طلبها، از جمله خواسته های فوری اعلام شده این کارگران است. بنا بر خبر کارخانه تولی پرس از ابتدای سال جاری با کمبود مواد اولیه روبرو شده و تولید آن به حداقل کاهش

یافته است. اختلاسها و دزدی ها یک موضوع اعتراض این کارگران است. روز دوشنبه ۳۱ مرداد بازنشستگان بانک تجارت در اعتراض به بدتر شدن وضع معیشتشان و پاسخ نگرفتن خواسته های خود با شعار «تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم» مقابل ساختمان مرکزی بانک تجارت تهران تجمع کردند. حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ مرداد ۱۴۰۱، ۲۲ اوت ۲۰۲۲

اطلاعیه خبری تجمع معلمان مهرآفرین، احضار سه نفر از بازنشستگان اهواز، اعتصاب کارگران پتروشیمی کیان

برخی از آنان هنوز پیمانی است. در این حرکت اعتراضی معلمان معترض با حمل پلاکارد و سردادن شعار صدای اعتراض خود را بلند کردند.

روز ۲۹ مرداد سه نفر از بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز با اتهام "تبلیغ علیه نظام و تباہی" از طریق بریابی جمعیت اعتراضی جهت آخرین دفاعیاتشان به شعبه سیزده بازپرسی

روز ۲۹ مرداد تعدادی از معلمان طرح مهرآفرین در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی خود و با خواست استخدام دائمی و رسمی در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. این بخش از معلمان در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد، تحت عنوان "طرح مهرآفرین" استخدام شده و ۱۴ تا ۲۰ سال است که به تدریس مشغولند و قراردادهای

دادسرای انقلاب اهواز احضار شدند. اسامی این بازنشستگان که بیست روز در بازداشتگاه اطلاعات سپاه بودند عبارت است از ناصر سعیدآوی، محمد زمان کامروا، مراد ظهراپی.

یک مطالبه فوری بازنشستگان پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای آنان است. اعتراض بازنشستگان تامین اجتماعی

تجمع و راهپیمایی زده اند و اعتراضات آنها انعکاس وسیعی در شهر اراک و در جنبش کارگری داشته است.

در جریان اعتراضات آبانماه ۹۸ کارگران آذربایق ۴۱ تا ۴۳ نفر بازداشت شدند که بعد زیر فشار اعتراضات کارگران به قید وثیقه آزاد شدند. اعتراضات آنها به خصوص سازی شرکت و دزدی های پشت پرده و پرداخت نشدن چند ماه دستمزدشان بود. بعد از آن در تیرماه ۹۹ از سوی ارک در یک حکم بی سابقه برای ۴۲ نفر از کارگران شرکت پیمانکاری آذربایق که در راهپیمایی اعتراضی سال ۹۸ شرکت داشتند، حکم حبس، شلاق و بیگاری صادر گردید. بر اساس این

احکام شلاق برای کارگران آذربایق گستاخی علیه همه کارگران است

چپاول جایش در جامعه بشری نیست و باید در سطح جهان منزوی و بایکوت شود و نهایتاً از صحنه جامعه جارو گردد.

ماجرای این قرار است که در پی واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی و حصولی شدن آن مشکلات و تعطیلی کارخانه آذربایق آغاز شد. به گفته کارگران تمامی پیمانکاران و طرفهای قراردادهای کاری آذربایق دولتی بوده و چپاولگری های پشت پرده شغل و معیشت آنها را به یغما برد. و اکنون نزدیک به یک سال است که کارگران آذربایق بیگار هستند، دستمزدهایشان پرداخت نشده است و در فشار معیشتی سختی بسر میبرند. چندین سال است که کارگران آذربایق و در دفاع از زندگی و معیشتشان در اعتراضات و بارها همراه با کارگران هپکو که وضعیت مشابهی دارند علیه دزدی ها و چپاولگری ها و بحرانی شدن وضع این کارخانجات دست به

بنا بر خبرمنتشر شده در روزهای اخیر حکم دادگاه ۲۱ کارگر شرکت آذربایق اراک صادر شد. بر اساس این خبر چهار نفر از این کارگران تبرئه و برای هفده نفر حکم وحشیانه ۳۰ ضربه شلاق و سه ماه حبس صادر شده است. این حکم تعلیقی است اما یک توهین آشکار به همه کارگران و کل جامعه است. باید وسیعاً و شدیداً این احکام وحشیانه علیه کارگران را محکوم کرد و از حق کارگران برای اعتراض و اعتصاب دفاع کرد. یک مشت مفتخور بی خاصیت مدام دارند بطور نجومی از دسترنج کارگر دزدی میکنند و پروار میشوند و وقتی کارگران به زندگی زیر خط فقر اعتراض میکنند دست به انبان کثیف توحش ۱۴۰۰ سال پیش میبرند و احکام شلاق صادر میکنند. جواب کارگران به این گستاخی و به چنین قوه قضائیه و کل حکومت اینست که شما و کل بساطتان را از این جامعه جارو میکنیم. حکومت شلاق و زندان و قصاص و

میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها و پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی است. گفتنی است که فرزانه زینلابی وکیل انتخاباتی بازنشستگان در بازداشت است.

روز ۲۶ مرداد کارگران پروژه های شرکت کیان نصب شاغل در پتروشیمی بوشهر در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه دستمزد خود دست به اعتصاب زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مرداد ۱۴۰۱، ۲۰ اوت ۲۰۲۲

شرکت، کارگران خشمگین آذر آب در یازدهم خرداد ماه سال جاری به این دلیل که یکسال است قراردادی با آنها بسته نشده و بیگار هستند و دو ماه مزد آنها پرداخت نشده بار دیگر دست به اعتراض زدند.

بدنبال چنین کشاکش سختی اکنون خبرها حاکیست که ۱۷ کارگر شرکت آذر آب بخاطر شرکت در اعتراضات خرداد ماه هر یک به ۳ ماه حبس تعلیقی (تعلیق یکساله) و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شده اند. وسیعاً از کارگران آذربایق حمایت کنیم و به حکم دادگاه منفور اسلامی اعتراض نماییم.

#اتحاد علیه سرکوب
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مرداد ۱۴۰۱، ۲۰ اوت ۲۰۲۲

اعتراض به فقر و بی تاملی و وخیم تر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی شان بخاطر گرانیهای روزافزون است. اعتراض آنها به تبعیض و نابرابری و اختلاس ها و دزدی هاست. نیمی از سال میگذرد و بدنبال اعتراضات هر روزه آنها بالاخره اعلام شد که مصوبه دولت کنار رفته و حقوق ماهیانه بازنشستگان غیر حداقل بگیران (سایر سطوح) ۳۸ درصد افزایش خواهد یافت. بازنشستگان خواستار اجرایی شدن این افزایش از آغاز سال ۱۴۰۱ و دیگر مطالباتشان هستند. همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر هجده

حکم این کارگران به ۱ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق و یک ماه بیگاری به مدت سه ساعت در روز در راه آهن شهرستان اراک محکوم گردیدند. این حکم با موجی از اعتراض در میان این کارگران و در جنبش کارگری روبرو شد. زیر فشار این اعتراضات این خبر تکذیب شد و خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران انتشار آنرا «عملیات روانی ضدانقلاب علیه آذربایق» خواند. بعد نیز عبدالمهدی موسوی رئیس کل دادگستری استان مرکزی از صدور حکم برائت ۱۵ نفر از کارگرانی که تحت عنوان "تبلیغ علیه نظام" حکم گرفته بودند، خبر داد.

با ادامه وضعیت نابسامان شغلی و معیشتی و فشارهای امنیتی بر

احکام شلاق برای کارگران آذربایق گستاخی علیه همه کارگران است



نامه سرگشاده به دولت آمریکا و سازمان ملل اجازه ندهید ابراهیم رئیسی وارد آمریکا شود، او باید به جرم ارتکاب جنایت علیه بشریت دستگیر و محاکمه شود!

به دنبال اعلام احتمال حضور ابراهیم رئیسی در هفتاد و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، سه نهاد کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمیته بین المللی علیه اعدام و کمپین برای آزادی کارگران زندانی، کارزاری را جهت سازمان دادن اعتراضات جهانی علیه حضور رئیسی اعلام کردند. این سه نهاد ضمن افشاکاری از جنایات رئیسی در برنامه های تلویزیونی و در سطح میدیای اجتماعی، تمام امکانات خود را جهت سازمان دادن حرکات اعتراضی در نیویورک، کانادا و شهرهای اروپا به کار برده است. لیست این اعتراضات متعاقباً به اطلاع عموم رسانده میشود.

برای اطلاعات بیشتر با شمارهها و ایمیل های زیر تماس بگیرید:

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی شیوا محبوبی ، سخنگو
shiva.mahbobi@gmail.com

کمیته بین المللی علیه اعدام حسن صالحی، سخنگو
hasan.salehi2000@gmail.com

کمپین برای آزادی کارگران زندانی شهلا دانشور، سخنگو
shahla.daneshfar2@gmail.com

متن انگلیسی نامه:
https://wp.me/p9yWrK-342

ترجمه متن نامه انگلیسی به فارسی را در زیر ملاحظه میکنید:

نامه ای سرگشاده به دولت آمریکا و سازمان ملل به:

ایالات متحده، رئیس جمهور، جو بایدن سازمان ملل، دبیر کل، آنتونیو گوترش رونوشت:

گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران، جواد رحمان

اجازه ندهید ابراهیم رئیسی وارد آمریکا شود، او باید به جرم ارتکاب جنایت علیه بشریت دستگیر و محاکمه شود!

هفتاد و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۳ سپتامبر برابر با ۲۲ شهریور ماه آغاز به کار میکند. ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور رژیم اسلامی، اعلام کرده است که در این اجلاس شرکت وارد کرد. رئیسی دستور قتل هزاران تن از مخالفان را در مقیاسی که جنایت علیه بشریت به حساب میاید را صادر کرده است. اجازه دادن به این قاتل برای حضور در اجلاس سازمان ملل خشم بسیار زیادی را بر می انگیزد. ما قویاً از آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد و همچنین جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا و دولت وی می خواهیم که از تمام اختیارات خود برای ممانعت از ورود ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور رژیم اسلامی، به آمریکا و حضور در این اجلاس استفاده کنند.

ابراهیم رئیسی یک قاتل است. ما بلیتم به طور خاص توجه شما را به برخی از مصادیق جنایات ابراهیم رئیسی و رژیم او جلب کنیم و از سازمان ملل متحد و دولت آمریکا بخواهیم برای رسیدگی به جنایات وی اقدام کنند.

نمونه های زیر و اسناد مربوط به آن تنها چند نمونه از جنایات علیه بشریت می باشد که رئیسی مرتکب شده است:

• ابراهیم رئیسی از سال ۱۳۶۰ در سمتهای قضایی که در رژیم داشته است مرتکب جنایات علیه بشریت شده است. رئیسی قبل از اینکه به عنوان رئیس جمهور معرفی شود،

مسئول دستگیری، شکنجه و اعدام هزاران نفر در چهار دهه گذشته را بر عهده داشته است.

• در تابستان ۱۳۶۷ ابراهیم رئیسی معاون دادستان تهران و عضو «هیئت مرگ» بود، که بیش از ۵۰۰۰ زندانی سیاسی تنها در عرض ۳ الی ۴ هفته اعدام شدند و سپس اجساد آنها در گورهای دسته جمعی انداخته شد و این اجساد هرگز پیدا نشد. پس از ۳۴ سال هنوز بسیاری از خانواده ها نمی دانند که عزیزانشان کجا دفن شده اند. برخی از خانواده ها تنها به این دلیل دستگیر و شکنجه شده اند که خواستار دانستن حقیقت در مورد علت اعدام عزیزانشان در سال ۱۳۶۷ هستند.

• در ۲۳ تیرماه ۱۴۰۱، حمید نوری، یکی از عاملان کشتار ۱۳۶۷ که در آن زمان دستورات خود را از ابراهیم رئیسی دریافت می کرد، در سوئد محکوم شد. حمید نوری هنگام ورود به سوئد دستگیر و در سوئد محاکمه شد. او سپس به خاطر نقشش در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به قتل و جنایات جنگی محکوم و به حبس ابد محکوم شد. پس از صدور حکم نوری، عفو بین الملل از همه کشورها خواست تا از اصل صلاحیت قضای بین المللی خود برای تحقیق درباره سایر مقامات سابق و فعلی رژیم اسلامی ایران از جمله ابراهیم رئیسی استفاده کنند.

سوال اینست ، اگر نوری که با رئیسی همکاری می کرد، به درستی در سوئد به حبس ابد محکوم شده است، چگونه ابراهیم رئیسی، که یکی از عاملان اصلی و دستور اعدام هزاران نفر را داد، اجازه ورود آزادانه به خاک آمریکا و حضور در مجمع عمومی سازمان ملل را

دارد؟
تحت مسولیت رئیسی، روح الله زم، روزنامه نگار ایرانی که در فرانسه زندگی می کرد، هنگام سفر به عراق توسط ماموران سپاه پاسداران ربوده شد. او سپس به ایران برده شد، تحت زندان و شکنجه قرار گرفت و در دسامبر ۲۰۲۰ به دار آویخته شد. ده ها نفر از شهروندان دو تابعیتی در حین سفر به ایران دستگیر، از کشورهای همسایه ایران ربوده شده، به ایران برده شده و شکنجه و سپس بر اساس اتهامات ساختگی به حبس محکوم شده اند. رژیم رئیسی در سال های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، برنامه ریزی کرد تا خبرنگار ایرانی-آمریکایی، مسیح علی نژاد، را در آمریکا ربوده و ترور کند. حمله به سلمان رشدی نویسنده مشهور در ۱۲ آگوست ۲۰۲۲ به دستور رژیم اسلامی انجام شد.

بنیانگذار رژیم، خمینی فتوای اصلی را صادر کرد و علی خامنه ای، رهبر فعلی، قتل رشدی را یک وظیفه اسلامی خواند. رئیسی، رئیس جمهور چنین رژیم است که علیه رشدی فتوا می دهد. چندین شهروند آمریکایی از جمله آقای جمشید شارمهد که توسط سپاه ربوده شد و اکنون در زندان، شکنجه و به عنوان گروگان نگهداری می شود. آقای شارمهد هر لحظه در خطر اعدام است. رئیسی و رژیم او از آزادی زندانیان آمریکایی-ایرانی و سایر شهروندان دوتابعیتی خودداری می کنند. اجازه دادن به

رئیسی برای ورود به آمریکا، سیلی بر چهره شهروندان ایرانی-آمریکایی زندانی و خانواده های آنها خواهد بود.

• در زمانی که رئیسی، رئیس قوه قضائیه بود رژیم سرکوب معترضان را در آبان ماه ۱۳۹۸ انجام داد که در آن ۱۵۰۰ نفر توسط نیروهای رژیم

کارگران زندانی
Campaign to Free
the Political
Prisoners in Iran
(CFPPI)
shiva.mahbobi@gm
ail.com

International
Committee Against
Execution (ICAE)
hasan.salehi2000
@gmail.com

Campaign to Free
Jailed Workers in
Iran (Free Them
Now)

shahla.daneshfar2@
gmail.com

سازمان ملل، هر چه بیشتر
ثابت خواهد کرد که آمریکا
و سازمان ملل عمداً
چشمان خود را بر جنایات
علیه بشریت که رئیس و
رژیمش علیه مردم ایران و
همچنین شهروندان
آمریکایی مرتکب شده اند،
بسته اند.

ما قویاً از دولت آمریکا و
سازمان ملل می‌خواهیم که
برای رئیس روادید صادر
نکنند و در عوض از قدرت
خود برای انجام اقدامات و
اقدامات خاص برای
پیگیری و بررسی ارتکاب
جنایت علیه بشریت
توسط ابراهیم رئیس
استفاده کنند.

کمیته مبارزه برای
آزادی زندانیان سیاسی
کمیته بین المللی علیه
اعدام
کمپین برای آزادی

ایران شدند. امضاکنندگان
در نامه خود جنایاتی که
توسط که توسط ابراهیم
رئیس و سپاه پاسداران
صورت گرفته را افشا
کردند و از شورای حقوق
بشر سازمان ملل
خواستند تا «گام‌های
مؤثر و عملی برای تشکیل
کمیسیون مستقلی برای
تحقیق و جمع‌آوری
شواهد جنایاتی که رژیم
در ایران و سطح بین‌المللی
مرتکب شده است بردارد»

ابراهیم رئیس نباید
اجازه ورود به آمریکا را
داشته باشد. دادن اجازه
ورود به رئیس به خاک
آمریکا و حضور در اجلاس
سازمان ملل تنها می‌تواند
نشان دهد که جنایت علیه
بشریت برای دولت آمریکا
و سازمان ملل و دیربک آن
اهمیتی ندارد. اجازه دادن
به حضور رئیس در مجمع

صدها فعال و
خانواده هایشان توسط
نیروهای امنیتی رژیم مورد
آزار و اذیت، دستگیری،
شکنجه، شلاق یا حبس
طولانی مدت و همچنین
صدور احکام اعدام قرار
گرفته اند. ده ها تن از
مدافعان حقوق زنان
مخالف حجاب، معلمان و
کارگران که برای حقوق
خود تظاهرات کردند،
بازداشت و شکنجه شده
اند.

در آگوست ۲۰۲۱،
نامه ای توسط بیش از
هفتصد خانواده زندانیان
سیاسی دادخواه،
از ایران و سایر کشورها،
امضا و به شورای حقوق
بشر سازمان ملل ارسال
شد. در این نامه خواستار
آزادی فوری و بدون قید و
شرط فعالین عرصه ها در

ادامه از صفحه ۱۶
کشته شدند و بیش از
۸۰۰۰ نفر دستگیر و
شکنجه و به حبس های
طولانی مدت محکوم
شدند. بسیاری از این
دستگیرشدگان هنوز در
زندان هستند. ده ها
معتز از جمله نوید
افکاری قهرمان کشتی ایران
به دلیل ابراز مخالفت خود
با جنایات رهبران رژیم
اسلامی اعدام شدند.
رئیس برای این معتزسان
حکم بازداشت، حبس و
اعدام صادر کرد.

رئیس به عنوان یکی
از اعضای شورای امنیت
ملی رژیم اسلامی در
سرنگونی عمدی پرواز
اوکراینی در هشتم ژانویه
۲۰۲۰ که منجر به کشته
شدن همه ۱۷۶ سرنشین
هوایما «ب اس ۷۵۲»
شد، نقش داشت.



آزادشان کنید!

FREE THEM NOW

FREE ALL JAILED TEACHERS IN IRAN



اسامی معلمان بازداشتی قبلی:
اسماعیل عبدی، رسول بدایی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی، ناهید شیرپیشه، مهدی فتحی، فیوا قریشی، کاوه محمدزاده، امین‌شاه پرویز احسنی، هاشم خواستار، جواد لعل
محمدی، محمدحسین سپهری، معصومه عسکری، ناهید فتحعلیان، زینب همزنگ، نصرت بهشتی، عباس واحدیان، ناهید شیرپیشه

از ماه مه تا کنون بیش از ۲۴۰ معلم در سراسر کشور ربوده، بازداشت و زندانی شده اند.

اعترض کنند.
کمپین برای آزادی
کارگران زندانی
Shahla.daneshfar
2@gmail.com
۳۰ مرداد ۱۴۰۱، ۲۱
اوت ۲۰۲۲

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی بر آزادی
فوری و بدون قید شرط
معلمان زندانی، کارگران
دریند و همه زندانیان
سیاسی تاکید دارد و از همه
تشکلهای کارگری و معلمان
میخواهد که به این
دستگیرها و در زندان نگه
داشتن معلمان و کارگران

جعفر ابراهیمی، ناهید
شیرپیشه، ناهید
فتحعلیان، زینب همزنگ،
معصومه عسکری، هیوا
قریشی، امید شاه
محمدی، کاوه محمدزاده،
پرویز احسنی، مهدی
جواد لعل محمدی، و
محمد حسین سپهری.

معلمان زندانی باید آزاد شوند

جمهوری اسلامی در
ایران آزار و اذیت معلمان و
فعالان کارگری را تشدید
کرده است. دستگیری
های دسته جمعی و احکام
سنگین زندان برای فعالان
کارگری در دو سال گذشته
یک رکورد محسوب می
شود. از ماه مه تا کنون
بیش از ۲۴۰ معلم در
سراسر کشور ربوده،
بازداشت و زندانی شده
اند. از جمله اکنون در
زندانی مثل عادل آباد یک
بند معلمان وجود دارد. زیر
فشار اعتراضات معلمان
شماری از آنها آزاد شده
اند. اما آزادی آنها مشروط
و با وثیقه های سنگین
است و هنوز پرونده های
تشکیل شده برای آنان باز



بشر را بعنوان پیش شرط اصلی همه روابط اقتصادی و سیاسی خود با رژیم جمهوری اسلامی قرار دهند و بهیچوجه حاضر نشوند که دستان خود را در دستان ناقضین حقوق بشر و قاتلان زندانیان سیاسی، از جمله رئیسی قاتل قرار دهند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۲۸ مرداد ۱۴۰۱
۱۹ آگوست ۲۰۲۱

آزادی زندانیان سیاسی در ایران ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت سEDA و فرزندش، از همه سازمانها و مجامع بین المللی میخواهد که رژیم اسلامی را به دلیل نقض حقوق بشر و عدم آگاهانه مستمر رعایت حقوق زندانیان، تحت فشار قرار دهند.

این کمیته همچنین میخواهد که همه کشورهای اروپایی و امریکایی آزادی زندانیان سیاسی و رعایت حقوق

شهروند پیرانشهری و مادر ۲ فرزند که از ۲۲ مهرماه سال ۱۴۰۰ بدلیل نامعلومی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده، تاکنون در وضعیت بلا تکلیف بسر میبرد. وی روز ۳۰ خرداد تنها یک روز بعد از زایمان از بیمارستان ارومیه به زندان امنیتی ارومیه بازگردانیده شد، بطوریکه پانسمان سزارین وی توسط زندانیان هم بند وی تعویض میشده است. سEDA در تاریخ ۶ اردیبهشت ماه سال جاری، نیز در اعتراض به بلا تکلیفی اش در بند زنان زندان ارومیه دست به اعتصاب غذا و دارو زده و پس از ۱۲ روز با دریافت قول رسیدگی به پرونده به اعتصاب خود پایان داده بود.

کمیته مبارزه برای

اطلاعیه رژیم اسلامی مسئول جان سEDA خدیروزاده و فرزندش است خودکشی سEDA خدیروزاده بر اثر تهدیدات مامورین رژیم

بعد از اقدام به خودکشی، در حالی که به مراقبت نیاز دارد به بند زنان زندان ارومیه بازگرداننده شد. این در حالی است که یک چشم او آسیب دیده است. هنوز علت خودکشی سEDA مشخص نشده، ولی در گذشته گزارشات متعددی از تعرض یا تهدیدات مامورین زندانهای رژیم علیه زنان و یا وارد کردن فشارهای روحی و روانی، جسمی و جنسی از سوی زندانبانان منتشر شده بود.

سEDA خدیروزاده،

خودکشی سEDA خدیروزاده بر اثر تهدیدات مامورین رژیم

سEDA خدیروزاده که از حدود یک سال قبل در بازداشت نیروهای امنیتی در زندان ارومیه بسر میبرد، بر اثر تهدیدات امنیتی ماموران رژیم، روز ۲۷ مرداد دست به خودکشی زده و بنابر خبرگزاری هه نگو که این خبر را انتشار داده بود، سEDA به نوزاد دو ماهه خود که با او در زندان حبس میباشد نیز قرص خورانده بود. این زندانی سیاسی تنها یک روز

کارگران رسمی و پیمانی در نفت و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی خواست سراسری همه کارگران نفت است. شورای هماهنگی و همبستگی با نظرسنجی از طریق مدیای اجتماعی و اتکاء بر تصمیم گیری جمعی کارکنان نفت بر سر موضوعات اعتراضی شان گام عملی ای در جهت شکل دادن به تشکل شورایی برداشته و راه عملی تشکیل مجمع عمومی سراسری کارگری را نشان داد. یک تصمیم مهم در نظر سنجی های این شورا، تصمیم بر سر حضور خانواده ها در اعتراضات است. تا همین جا کارکنان رسمی نفت موفقیتهای خوبی در مبارزاتشان و در سازماندهی متحدانه اعتراضاتشان داشته اند و حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزات آنها حمایت کرده و بر اتحاد مبارزاتی همه بخش های شاغل در صنعت نفت تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ شهریور ۱۴۰۱، ۲۴
اوت ۲۰۲۲

این قانون، ارتقای پایه سمت های سازمانی آنها، تجدید نظر در افزایشات عمومی آنان متناسب با رشد تورم، پایان دادن به استخدامها و انتصابات فامیل و پارٹی بازیه و تبعیض در پرداختها، بازگرداندن مالیات های سنگین اخذ شده که طی سالها از حقوق کارگران کسر شده، پایان دادن به اختلاسها و شفافیت دادن به عملکرد صندوق بازنشستگی، ارتقای وضع خدمات بهداشت و درمان نفت و برخورداری همه کارگران شاغل در نفت از درمان رایگان با کیفیت، ارتقای خدمات رفاهی کارگران نفت از جمله بهبود وضع غذا و خوابگاهها و امکانات زیستی و معیشتی بر اساس استانداردی قابل قبول برای همه کارگران شاغل در نفت، بالا بردن استاندارد ایمنی محیط کار، به رسمیت شناخته شدن حق تشکل و پایان دادن به امنیتی کردن مراکز کاری در نفت.

کوتاه شدن دست پیمانکاران به عنوان معضل سراسری همه

شده است. در همین راستا مددی معاونت "توسعه مدیریت و سرمایه انسانی وزیر" در تلوویزیون صحبت داشته است. کارکنان رسمی نفت این عقب نشینی ها را نتیجه اقدامات و اعتراضات سراسری خود دانسته و شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان نفت با اعلام تغییر زمان تجمعات از پنجم به بیست و هشتم خاطر نشان کرده است که این مدت صرفا مهلتی است تا توسط مسئولین مربوطه اقدامات عملی لازم در جهت اجرای قطعی ماده ده و جداول بدو استخدام انجام گیرد. شورای هماهنگی همچنین اولتیماتوم داده است که در صورت خلف وعده مسئولان، در تاریخ بیست و هشت شهریور به همراه خانواده هایمان پرشور تر از همیشه برای احقاق حقمان خواهیم آمد.

مطالبات اعلام شده کارکنان رسمی نفت از جمله عبارتند از: اجرای کامل ماده ده قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و محاسبه پرداخت پی بک آن از زمان تصویب

اخبار نفت کارکنان رسمی نفت زمان تجمعات اعتراضی خود را به ۲۸ شهریور تغییر دادند

شهریورماه موكول کنند و به مسئولین مربوطه فرصت کافی بدهند که وعده های داده شده و خواستهای اعلام شده کارگران بدون هیچ عذر و بهانه ای عملی شوند. این تصمیم از جانب شورای هماهنگی و همبستگی کارکنان رسمی نفت اعلام شده است.

بنا بر خبرها ساعت هشت صبح روز دوم شهریور جلسه تصمیم گیری نهایی بر سر اجرای جدول پایه حقوق سال ۹۳ با حضور معاونین وزیر نفت و سایر مسئولین ذی ربط برگزار شد. خبرها حاکیست که علاوه بر تصحیح رقم های واریزی بن کارت ها، در این جلسه بر سر اجرای قطعی ماده ده، تایید نهایی اجرای جدول بدو استخدام و معوقات آن از سال ۹۳ و همچنین اصلاح جدول بدو استخدام از ابتدای سال ۱۴۰۱ تصمیم گیری

قبلا گزارش کرده بودیم که کارگران رسمی نفت جهت پیگیری خواستهایشان متعاقب نظرسنجی ای که از سوی شورای هماهنگی و همبستگی آنها انجام گرفته بود، اعلام کرده بودند که روز پنجم شهریور تجمع خواهند داشت. این تجمعات قرار بود با شرکت خانواده ها در سه منطقه عسلویه، اهواز و تهران برگزار شود.

بدنبال برگزاری جلسه ای از جانب مسئولین نفت و مسئولین حکومتی، تصمیماتی در جهت خواستهای کارگران گرفته شد و "تصحیح برخی ارقام حقوقی کارکنان" و تصمیم گیریهایی در مورد اجرای ماده ده و دیگر مطالبات کارکنان رسمی نفت اعلام گردید. به همین دلیل کارگران رسمی نفت تصمیم گرفتند زمان اعتصاب را به ۲۸